

آنچه که فاشیست‌ها بیش از همه از آن نفرت دارند، بیداری است.

www.mandegardaily.com

سال ششم شماره یک هزار چهار صد سیزده یکشنبه ۲۵ عقرب/آبان ۱۳۹۳ ۲۳۳۶ محرم الحرام ۱۴۱۶ ۱۶ نوامبر ۲۰۱۴

نیاز به خانه‌تکانی

در اولین اقدام نیاز به یک خانه‌تکانی کلان می‌باشد تا با یک سیاست خارجی هدفمند، ما را جدی بگیرند. اولین سفر هیأت رهبری دولت وحدت ملی به پاکستان، همزمان است با خروج نیروهای بین‌المللی از افغانستان و تحرکاتی در جهت آرایش جدید در منطقه. شکی نیست که میزبانی پاکستان از مهمان افغانی‌اش در محدوده مناسبات دوطرف، همسایگی و برادری اسلامی طی یک ضیافت خوب و پذیرایی خوبی انجام یابد، حتا حین پرگشت، هیأت افغانی شاید با یک ره آوردی همراه خواهد بود که اغلباً مقطعی و تاکتیکی بوده است. اما آنچه نیاز اصلی و درد جانکاه ماست تا داشتن توان ملی و نقش و جایگاه ما در محیط بین‌المللی، فاصله‌های بسیار بسیار دوری داریم که اگر اراده به تغییر است، در اولین اقدام نیاز به یک خانه‌تکانی کلان می‌باشد تا با یک سیاست خارجی هدفمند ما را جدی بگیرند. افغانستان در چار راه منطقه، در قلب آسیا و با نبض بسیار حساسی قرار دارد. حساسیتی که با تهاجم شوروی آغاز، با جنگ‌های نیابتی تا هنوز ادامه دارد و بعید است که با آرایش جدید در راه، بتواند به این زودی‌ها استقرار پیدا نماید.

با توجه به گذشته کشور و موقعیت و شرایط حساس کنونی ابتدا ضرورت به ایجاد یک سیاست خارجی خردمندانه متوازن و متناسب داریم تا بتوانیم این حساسیت‌های متضاد را در محور افغانستان به یک تعادل برسانیم.

خانه‌تکانی فقط با ایجاد یک دولت ملی مقتدر ممکن است تا با معین نمودن جایگاه افغانستان در عرصه بین‌المللی، پاکستان دیپلوماسی ما را جدی تلقی کند. فقط آن زمان است که می‌توانیم از موضع قوت اما منطق رسا، با پاکستان بر اساس منافع همگانی، با شجاعت سیاسی و قاطع روی همه مسایل مناقشه چون دیورند، تروریزم، دهلیز ترانزیتی و مسایل استراتژیکی به یک نتیجه برسیم.

از صفحه فیس بوک احمد ولی مسعود

آیا رییس جمهور

نکات مبهم پرونده کابل بانک را روشن خواهد ساخت؟



صفحه ۹

اشرف غنی به نواز شریف:

توافق پایدار با پاکستان می‌خواهیم

در این کشور شیوه‌های تازه‌یی را برگزیده که یکی از این شیوه‌ها توافق پایدار با پاکستان است. وی افزود: سعی داریم اقدامات لازم را برای پیوند دادن افغانستان به کشورهای آسیای مرکزی و جنوب آسیا انجام دهیم. اشرف غنی خاطر نشان کرد: ظرف ۱۳ سال گذشته موانع عمده‌یی وجود داشته اما ما موفق شدیم ظرف ۳ روز این موانع بزرگ را از سر راه برداریم. رییس‌جمهور افغانستان تأکید کرد: حجم مبادلات تجاری با پاکستان حداقل باید ۵ میلیارد دالر در سال باشد.

اشرف غنی با مثبت ارزیابی کردن سفر خود به پاکستان از توجه مقامات اسلام‌آباد به امور تجاری و پیش

رییس‌جمهور افغانستان و نخست‌وزیر پاکستان متعهد شدند برای مبارزه با تروریسم، گسترش روابط تجاری، از بین بردن فقر و پیشرفت در تمام زمینه‌ها با یکدیگر همکاری کنند. کابل و اسلام‌آباد با تأکید بر فراموش کردن اتفاقات تلخ گذشته برای پیشرفت اقتصادی از طریق تکمیل پروژه‌های واردات گاز و نفت نیز به توافق رسیدند. توافقات مذکور صحبت‌هایی است که روز گذشته بین اشرف غنی و نواز شریف مطرح شد. اشرف غنی با شرکت در یک کنفرانس خبری اظهار داشت: پاکستان می‌تواند نقش مهمی برای برقراری امنیت در افغانستان ایفا کند. وی افزود: دولت جدید افغانستان برای برقراری صلح



نکشیدن موضوعات اختلافی به ویژه در موارد امنیتی تشکر کرد. اشرف غنی برقراری...

ادامه صفحه ۶

تحلیلگران:

سفر دکتر غنی به پاکستان عجولانه بود

ناجیه نوری



دکتر اشرف غنی از سفر به پاکستان هیچ دست‌آوردی در خصوص امنیت و فراهم‌سازی زمینه مذاکره با طالبان نخواهد داشت. شماری از آگاهان سیاسی با بیان این مطلب تأکید می‌کنند که رییس‌جمهور غنی در این سفر هیچ نوع مذاکره‌یی با مخالفان مسلح دولت نخواهد داشت، زیرا پاکستان آماده نیست که مخالفین را به پای میز مذاکره با رییس‌جمهور غنی بکشاند.

به باور آنان، بدون شک این سفر دست‌آوردهای در زمینه اقتصادی خواهد داشت؛ اما در خصوص مذاکره با طالبان هیچ دست‌آورد را با خود به افغانستان نخواهد آورد. این آگاهان سیاسی سفر دکتر غنی به پاکستان را عجولانه و پیش از وقت دانسته می‌گویند، اگر

ادامه صفحه ۶

گفت‌وگوها بر سر تقسیم کابینه به بن‌بست رسید



گفت‌وگوهای دو تیم سیاسی بر سر تشکیل کابینه به بن‌بست رسیده است. نماینده‌گان دو تیم سیاسی پس از شکست این گفت‌وگوها موضوع را به دکتر اشرف غنی رییس‌جمهور داکتر عبدالله عبدالله رییس‌اجراییه واگذار کرده‌اند. اعضای کمیته تشکیل کابینه می‌گویند که این کمیته تا حالا سیزده نشست برگزار کرده، اما به دلیل مخالفت‌ها میان نماینده‌گان دو طرف...
ادامه صفحه ۶

در برگ‌ها



پرسش‌های بی‌پاسخ از پاکستانی‌ها

از جهان سوم به جهان اول داستان سنکاپور از سال ۱۹۶۵ الی ۲۰۰۰ میلادی



رولان بارت در میانه متن و اثر

نگاهی به اندیشه‌های یوهان گئورگ هامان



احمد عمران

پرسش‌های بی‌پاسخ از پاکستانی‌ها



سخن‌ماندگار اجرای عدالت در خصوص متهمان پرونده کابل بانک

اجرای دادگاه استیناف در خصوص متهمان پرونده کابل بانک، بار دیگر خون را در شریان طرفداران تحکیم قانون، جاری ساخت. گمان می‌رود این دادگاه محک خوبی باشد برای دولت وحدت ملی تا نشان دهد که چه قدر در راستای تحکیم قانون و عدالت صادق است. اما از همین اکنون برخی خلأها در جریان محاکمه این متهمان دیده می‌شود که برای هر ناظر این پرونده جای سوال دارد؛ سوالی که نه در جریان محکمه پاسخ یافته و نه هم این که برخی از مسوولان در رسانه‌ها برای آن پاسخی ارائه کرده‌اند.

مورد نخست آن است که شماری از متهمان اصلی از جمله شیرخان فرنون رییس کل پیشین و خلیل فیروزی مدیر اجرایی پیشین این بانک، نام شماری از شرکای شان را که در اختلاس و پول‌شویی دست داشتند، افشا کرده‌اند. دادگاه از حاجی محمد طاهر ظاهر، غلام داوود نصیب، صوفی نثار احمد، شکرالله شکران، حیات‌الله کوکچه، تأسیسات نفتی حیرتان، کابل نفت، شرکت هوایی پامیر، گلپهار حبیبی، عبدالغفار داوی، اخترگل، ملک جان، محمد طاهر، گلپهار تاور، صرافی شاهین، آریانا استیل، محمود کرزی، محمدحسین فهیم، طاهر گروپ و گاز گروپ به عنوان شرکای حقیقی و حقوقی جرم یادآوری کرده است. اکنون سوال این جاست که چرا این شرکا به دادگاه معرفی نمی‌شوند و یا چه‌گونه برخی از این شرکا از کشور فرار کرده‌اند؟ آیا به نظر نمی‌رسد که اجرای عدالت تنها در خصوص رییس کل و مدیر عامل پیشین کابل بانک غیرعادلانه است و باید شرکای آن‌ها نیز بازداشت و عدالت بر آن‌ها اجرا گردد؟

نکته دوم، افشای برخی از چهره‌های مطرح سیاسی اقتصادی کشور است که در پرونده کابل بانک دخیل به نظر می‌رسند. از جمله خان افضل هدهو، معاون بانک مرکزی و آقای حضرت عمر زاخیلوال سرپرست وزارت مالیه که به‌تازگی به سمت مشاور اقتصادی آقای اشرف‌غنی نیز گماشته شده است. حتا گفته شده که دو تن از متهمان این پرونده با ضمانت آقای زاخیلوال به خارج از کشور فرار کرده‌اند. اکنون مساله این است که باید داستانی کل از چنین افرادی نیز بازخواست کند. اگر این افراد بی‌گناه‌اند، باید اتهام از آنان رد گردد و اگر نیستند، باید در کنار شیرخان فرنون و خلیل فیروزی قرار گیرند. در ضمن این نکته نیز قابل یادآوری است که چنین افرادی که مورد اتهام قرار می‌گیرند، تا رفع اتهام باید سمت‌های رسمی‌شان به حالت تعلیق درآید. اما سوگ‌مندانه که چنین نشده، برعکس وظایف بسیار مهم‌تری به آنان محول شده است.

این طرز کار، چیزی جز نومییدی در میان مردم، در خصوص حل این پرونده خلق نمی‌کند؛ حتا گمان می‌رود که داعیه مبارزه با فساد پوچ بوده و نمی‌تواند عملی گردد. حال آن‌که قانون، یک امر عمومی است و اجرای آن بر هیچ‌کس استثنا نیست. دولت وحدت ملی تنها می‌تواند با عمومی‌سازی اجرای قانون، تعهدش را در امر مبارزه با فساد ثابت کند. هنوز به خاطر داریم که دولت پیشین نیز رفتاری دوگانه داشت که در نهایت ناکارآمدی و ناکامی‌اش ثابت شد.

آقای کرزی قانون را تنها بر ضعفا تطبیق می‌کرد. زورمندان، فاسدان و مافیای همواره از جنگ قانون در دوره آقای کرزی فرار کرده‌اند. هرچند در پرونده کابل بانک نیز تا کنون چنین بوده، اما امید می‌رود که هیچ‌یک از متهمان حاضر در این پرونده از محاسبات قانون فرار نکنند. اگر آقای غنی، اجازه بدهد که اتهام آقای زاخیلوال و آقای هدهو در دادگاه رفع و یا ثابت گردد، بی‌شک که این حرکت در راستای تعهدش علیه فساد صادق واقع می‌گردد و اعتمادش میان مردم دوچندان می‌شود. به همین‌گونه سایر متهمانی که در دولت پیشین بر اساس روابط حکومتی، مصونیت قضایی یافته بودند؛ آقایان محمود کرزی، حصین فهیم، غفار داوی و والی پیشین کابل نیز نباید از بازخواست قضایی در امان بمانند، تا باشد که عدالت در خصوص همه متهمان حاضر پرونده کابل بانک اجرا گردد. اما در غیر آن، پرونده کابل بانک به صورت ناقص فیصله خواهد شد و در نهایت یک تجربه بد در راستای مبارزه با فساد در افغانستان به‌ویژه برای دولت وحدت ملی باقی خواهد ماند.

در امور یک کشور دیگر پنداشته نمی‌شود؟ چرا مولانا فضل‌الرحمان از وضعیت پاکستان شاکی نیست و روابط آن کشور را با امریکا و بریتانیا انتقاد نمی‌کند؟ مگر پاکستان سالانه میلیون‌ها دلار از امریکا دریافت نمی‌کند؟ سلاح و تجهیزات نظامی پاکستان از کجا آمده است؟ آقای غنی حداقل باید به جناب مولانا می‌گفت که پیش از حضور نیروهای خارجی هم، افغانستان در آرامش به سر نمی‌برد. جنگ دهه هفتاد را کی‌ها راه‌اندازی کرده بودند و در پی چه بودند؟ آیا آن زمان هم پاکستانی‌ها می‌گفتند که به دلیل حضور نیروهای خارجی، جنگ در افغانستان ادامه دارد؟

سوال سوم، آموزش نیروهای افغانستان است. مقام‌های پاکستانی ظرف یک ماه اخیر دو بار از حکومت جدید درخواست کرده‌اند که نیروهای خود را برای آموزش به پاکستان بفرستد. اما پاکستان همین حالا بر اساس اسناد و شواهد انکارناپذیر نه تنها به مخالفان مسلح پناه داده است، بل در جنگ با نیروهای خارجی و داخلی، آن‌ها را هم آموزش می‌دهد و هم تجهیز می‌کند. آیا پاکستانی‌ها هم‌زمان می‌خواهند که نیروهای افغانستان و مخالفان آن‌ها را آموزش دهند؟ این چه‌گونه حسن نیتی است که هم به دزد می‌گوید دزدی کن و هم به صاحب مال می‌گوید متوجه مال خود باش؟ چه‌گونه می‌توان مطمئن بود که وقتی نیروهای افغانستان برای آموزش به پاکستان می‌روند، واقعاً در راستای منافع افغانستان عمل کنند؟

همین حالا یکی از در‌درس‌های بزرگ دولت افغانستان، حضور افرادی است که به عنوان قیم منافع پاکستان در ساختارهای قدرت جا گرفته‌اند. به این افراد هرچند نام شریفانته جاسوس داده می‌شود، اما آن‌ها خود را سربازان پان‌اسلامیز پاکستانی می‌دانند که به‌خاطر ایجاد امارت بزرگ اسلامی به اصطلاح خود در منطقه فعالیت می‌کنند. آیا سربازان افغانستان هم وقتی به پاکستان برای آموزش‌های نظامی بروند، با چنین روحیه‌ی به کشور خود برمی‌گردند؟ پاکستانی‌ها به‌صراحت از آموزش نیروهای افغانستان در هند نگران‌اند و می‌گویند این نیروها می‌توانند تهدیدی برای امنیت آن کشور به شمار روند، اما چرا حق نمی‌دهند که چنین نگرانی‌یی را مردم افغانستان هم در مورد آموزش نیروهای افغانستان در پاکستان داشته باشند؟

اما این سکه روی دیگری هم دارد که کمتر به آن نگاه شده است. در مورد دستاوردهای سفر آقای غنی به پاکستان هنوز زود است که سخن قاطع گفته شود. زمان مشخص خواهد کرد که آقای غنی به چه دستاوردهایی در این سفر نایل شده، چه آجدایی داشته و با کدام پیام به پاکستان رفته است. اما آقای غنی حداقل باید چند پرسش کلیدی را با پاکستانی‌ها در این سفر مطرح می‌کرد.

پرسش نخست، جنگ در خط‌های مرزی است. آقای غنی باید از مقام‌های پاکستانی می‌پرسید که چرا ولایت‌های شرقی کشور در معرض حملات توپ‌خانه‌یی و موشکی نظامیان پاکستان قرار دارد.

در زمانی که آقای غنی، مشغول گفت‌وگو با مقام‌های پاکستانی بود، ولایت کنر در شرق کشور شاهد موجی از موشک‌پراکنی‌ها از خاک این همسایه بود. این حملات روز جمعه آغاز شد و گفته می‌شود تا هنوز هم ادامه دارد. آیا پاکستانی‌ها توجیهی برای این حملات دارند؟ سوال مقام‌های افغانستان از پاکستانی‌ها در مورد حملات به مناطق مرزی افغانستان چه بوده است؟

گمان نمی‌رود که آقای غنی پرسش روشنی در این خصوص مطرح کرده باشد و خواهان پاسخی دقیق و منطقی از پاکستانی‌ها بوده باشد. وقتی رییس‌جمهوری پاکستان، امنیت در افغانستان را مساوی با امنیت در پاکستان می‌داند، چرا از حملات به مناطق مرزی افغانستان جلوگیری نمی‌کند؟

پرسش دوم، گفت‌وگوهای صلح است. در سفر آقای غنی به پاکستان، از گفت‌وگوهای صلح با مخالفان مسلح نیز حمایت شد و پاکستانی‌ها تعهد کردند که افغانستان را در این عرصه کمک می‌کنند. آقای غنی برای این که حسن نیت خود را در مورد گفت‌وگوهای صلح نشان دهد، با مولانا فضل‌الرحمان رهبر جماعت اسلامی پاکستان در پشت درهای بسته دیدار کرد. مولانا فضل‌الرحمان که افتخار پدری بر طالبان دارد، پس از این دیدار در برابر رسانه‌ها گفت که «جنگ افغانستان تا زمان خروج کامل نیروهای خارجی» ادامه خواهد داشت. این سخن به چه معناست؟ آیا مولانا فضل‌الرحمان می‌خواهد از جنگ طالبان علیه نیروهای خارجی و داخلی حمایت کند؟ آیا این سخنان به نوعی مداخله

سفر دو روزه اشرف‌غنی رییس‌جمهوری افغانستان به پاکستان به پایان رسید. آقای غنی در این سفر توانست با مقام‌های آن کشور در مورد آینده روابط میان افغانستان و پاکستان گفت‌وگو کند؛ گفت‌وگوهایی که در فضای صمیمیت انجام شد و رهبران دو کشور یک بار دیگر بر تعهدات خود در قبال صلح منطقه تأکید ورزیدند.

رهبران پاکستانی مهمان تازه را با حرف‌های کهنه خود خوشحال کردند و گفتند افغانستان باثبات و امن به نفع پاکستان است. شاید آقای غنی نیز انتظاری بیش از این، از نخستین سفر خود به پاکستان نداشت، ولی بدون شک به‌زودی درخواست یافت که سخنان خوب مقام‌های پاکستانی چندان با حسن رفتار توأم نمی‌باشد.

در کابل اما نسبت به نخستین سفر رییس‌جمهوری جدید به پاکستان، نقطه‌نظرهای متفاوتی بیان می‌شود. شماری که عمدتاً نیمه خالی پیاله را می‌بینند، سفر آقای غنی به پاکستان را چندان متفاوت با سفرهای رییس‌جمهوری پیشین افغانستان نمی‌دانند. به باور این آگاهان، کشورها در عرصه سیاسی به دنبال منافع خود استند و پاکستان هنوز به افغانستان به عنوان عمق استراتژیک خود نگاه می‌کند. این آگاهان می‌گویند که گفتار و رفتار پاکستانی‌ها در تناقض با هم قرار دارد و به همین دلیل، مشکل امنیت افغانستان هم‌چنان پابرجا باقی می‌ماند. به گفته این آگاهان، رهبران جدید افغانستان رویکرد سیاسی خود به پاکستان را باید تغییر دهند و بر مبنای منافع افغانستان با این کشور برخورد کنند.

اما عده‌یی دیگر که چشم به نیمه پر پیاله دارند، سفر آقای غنی را متفاوت با سفرهای حامد کرزی می‌دانند. به باور این آگاهان، آقای غنی از نخستین روزهای آمدن به ارگ ریاست‌جمهوری تلاش کرده که بحث صلح را به گونه متفاوت با رهبری پیشین دنبال کند. این عده می‌گویند آقای غنی پیش از سفر به پاکستان، به عربستان سعودی و چین رفت و با رهبران ترکیه در کابل دیدار کرد. به باور این آگاهان، این کشورها نقش کلیدی و محوری در بحث صلح منطقه و افغانستان دارند و آقای غنی با توجه به نفوذ و تأثیرگذاری‌های این سه کشور، تلاش کرده آن‌ها را در موضوع افغانستان فعال سازد.

دوچه وله

نشست ایک در پکن و قدرت‌نمایی چین



«حکومت چین ابایی ندارد که در نشست ایک در پکن در مقام ابرقدرتی مهمان‌نواز از سران کشورهای شرکت‌کننده پذیرایی کند. اما همین امر باعث نگرانی همسایگان چین می‌شود و این سوال که چین با این قدرت چه راهی در پیش می‌گیرد؟» چین با هیاهو و زرق و برق به استقبال مهمانان نشست ایک رفت. ۱۹۰۰ هنرپیشه چینی در مراسمی که با رقص و طبل کوبی و نورپردازی تزیین شده بود، برای ۲۰ تن از سران کشورهای شرکت‌کننده در نشست سازمان همکاری‌های آسیا - اقیانوسیه فرش قرمز پهن کردند.

ظاهراً برای چین زمانی که قرار باشد میزبانی چنین نشست‌هایی را بر عهده گیرد، هیچ کاری چندان دشوار نیست. ایک برای چین پس از بازی‌های المپیک در سال ۲۰۰۸ مهم‌ترین صحنه خودنمایی است.

در این نشست است که میزبان می‌خواهد چین سال ۲۰۱۴ را به دنیا نمایش دهد: کشوری مغرور که توانسته پیشرفت‌های قابل توجهی بکند و برنامه‌های جاه‌طلبانه بسیاری دارد، ولی قرار نیست کسی از این برنامه‌ها نگران باشد. این‌ها پیام رهبران حزب کمونیست چین است که از میزبانی ایک برای نشان دادن آن‌ها استفاده کرد. اما واقعیت‌ها با این تصویر چندان منطبق نیستند.

شی جینپینگ، رئیس‌جمهور و رهبر حزب کمونیست چین، در گفت‌وگویی که با باراک اوباما، رئیس‌جمهوری آمریکا داشت به او گفت که پکن تصور دیگری از بازار آزاد در پاسیفیک دنبال می‌کند تا واشنگتن.

جمهوری خلق چین که چند دهه درازنوا به سر می‌برد، تحت رهبری شی جینپینگ می‌خواهد بار دیگر وارد صحنه سیاسی جهان شود. شعارهایی که از مدت‌ها قبل از نشست در خیابان‌ها به چشم می‌خورد، به رهگذران هشدار می‌دهند که مواظب باشند در روزهایی که نشست برگزار است، رفتاری متمدانه از خود نشان دهند.

مقررات منع عبور و مرور این جا و آن جا برقرار

آزمایش موشک بالستیک با قابلیت حمل کلاهک هسته‌یی در پاکستان



به مقامات نظامی پاکستان، این کشور یک موشک بالستیک میان‌برد با قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای را آزمایش کرد. به گزارش خبرگزاری شینهوا، پاکستان روز گذشته موشک بالستیک شاهین (۲) با قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای و با برد هزار و ۵۰۰ کیلومتر را آزمایش کرد.

پس از پرتاب آزمایشی و موفقیت‌آمیز موشک شاهین (۲) رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر پاکستان به محققان و مهندسان پاکستانی که در ساخت و پرتاب این موشک قاره‌پیما نقش داشته‌اند، تبریک گفتند.

هم‌اکنون پاکستان دارای موشک‌های بالستیک با بردهای مختلف است که قابلیت رسیدن به همه نقاط هند را دارند.

رئیس‌جمهور پاکستان همچنین پس از این پرتاب آزمایشی، پاکستان را کشوری صلح‌جو دانست و عنوان کرد: کشور پاکستان با هیچ ملتی دشمنی ندارد، اما نیروهای استراتژیک ارتش پاکستان قادرند تا در صورت لزوم از تمام نقاط این کشور دفاع کنند.

دفاع اوباما از تعهداتش

در آسیا - اقیانوسیه



رئیس‌جمهوری آمریکا از تعهد دولتش برای تقویت روابط با منطقه آسیا - اقیانوسیه دفاع کرد و گفت: اگرچه بحران‌های مناطق دیگر جهان نیازمند توجه من است اما این مسأله موجب نمی‌شود که توجه به این منطقه کاهش یابد.

به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، باراک اوباما، رئیس‌جمهوری آمریکا که برای شرکت در نشست گروه ۲۰ به استرالیا رفته، روز شنبه گفت: در برخی مواقع عده‌ای نسبت به ایجاد تعادل مجدد ابراز تردید می‌کنند و این سوال را مطرح می‌کنند که آیا آمریکا می‌تواند این روند را حفظ کند.

وی افزود: من به اینجا آمده‌ام تا بگویم رهبری آمریکا در آسیا - اقیانوسیه یک تمرکز اساسی در سیاست خارجی من بوده است. اوباما در جریان سخنرانی خود در دانشگاه کوئینزلند استرالیا گفت: چالش‌های اطراف جهان در برخی مواقع به جای اینکه موجب جدایی روابط آمریکا با آسیا - اقیانوسیه بشود، موجب تحکیم مناسبات می‌شود.

وی با اشاره به تحولات اوکراین گفت: اقدامات روسیه علیه اوکراین تهدیدی برای جهان است. ما شاهد بودیم که هواپیمای MH۱۷ ساقط شد. (هواپیمای خطوط هوایی مالزی که گفته می‌شود در ۱۴ ژوئن به دست جدایی‌طلبان روس‌گرا در اوکراین ساقط شد).

در ادامه اوباما بیشتر سخنانش را به روابط پیچیده میان آمریکا و چین اختصاص داد و گفت: پکن قطعاً نقش مهمی در آینده آسیا - اقیانوسیه ایفا خواهد کرد.

رئیس‌جمهوری آمریکا قرار است امروز (یکشنبه) با شینزو آبه، نخست‌وزیر جاپان و تونی ابوت، نخست‌وزیر استرالیا دیدار کند. اوباما در بخشی از سخنانش نیز به اختلافات ارضی چین و همسایگانش و همین‌طور برنامه هسته‌ای خودسرانه کره شمالی اشاره کرد و آن را تهدیدی علیه آینده آسیا - اقیانوسیه توصیف کرد.

اوباما گفت: هر نظم امنیتی موثری در آسیا نباید براساس جو نفوذ و یا تحمیل و تهدید باشد و کشورهای بزرگتر برای کشورهای کوچکتر قدرتی کنند. بلکه این نظم امنیتی باید براساس امنیت مشترک، قوانین بین‌المللی و هنجارها باشد و به حل صلح‌آمیز اختلافات بیانجامد.

شده است. ده‌ها هزار کارمند اداره به مرخصی اجباری فرستاده شده‌اند. مدارس و هزاران کارخانه در حومه پکن تعطیل شده‌اند. همه این تمهیدات تنها برای آن است که میهمانان ایک در پکن پر دود و گاز دامنه دید بازتری برای مشاهده پیشرفت‌های چین داشته باشند؛ اقداماتی که چندان فایده‌ای نداشت.

در این دومین اقتصاد جهان اکنون از «روای چینی» سخن می‌رود. روایی که به دنباله‌روی از روای آمریکایی می‌خواهد در قرن ۲۱ میلیون‌ها نفر را به ثروت برساند؛ نه فقط در چین که برای ۹۹ درصد مردم کره زمین. آن‌ها باید در همکاری با شرکت‌های چینی سود ببرند و از «علی بابا» اجناس ارزان بخرند. در نشست ایک شی جینپینگ حتی از «روای آسیا - پاسیفیک» سخن گفت.

سامانی جدید برای نظم جهانی چین می‌گوید قصد ندارد نظم فعلی جهان را دور بیندازد، بلکه تنها می‌خواهد آن را سامان دیگری بدهد. رئیس‌جمهور چین خبر از یک صندوق ۳۲

میلیارد دلاری برای تسریع احداث یک جاده ابریشم جدید داد برای آسیای میانه داد.

برای این کار پکن هم‌چنین بانکی برای سرمایه‌گذاری زیرساختی برای آسیا تأسیس کرده است که ژاپن و آمریکا به آن به عنوان رقیبی برای بانک جهانی نگاه می‌کنند.

رهبری چین همواره تأکید می‌کند که سیاست‌خارجی‌اش مسالمت‌آمیز و در راستای پیشرفت اقتصادی است. اما این برای همسایگان چین نگرانی شدیدی ایجاد می‌کند. مجادله با ژاپن سر مالکیت مجمع‌الجزایری که چین دیاپو و ژاپن سنکاکو می‌نامد.

این کشور در دریای شرقی چین با ویتنام و فیلیپین هم مناقشه دارد و زمانی که از «روای چینی» صحبت می‌شود، این رویا برای توکیو یا هانوی بیشتر خوف‌انگیز است تا زیبا.

به هر حال دنیا بعد از پایان گرفتن نشست ایک هم با چینی روبرو است که گاه خونسرد و خوددار است و گاه آماده برای رویاری.

گفت‌وگوی پوتین و کامرون پشت درهای بسته



رئیس‌جمهور روسیه و نخست‌وزیر انگلیس در جریان نشست سران کشورهای جی ۲۰ در استرالیا پشت درهای بسته با یکدیگر دیدار کردند؛ این درحالی است که روابط این دو کشور دورانی رو به زوال را سپری می‌کند.

به گزارش خبرگزاری نووستی، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه و دیوید کامرون، نخست‌وزیر انگلیس در آغاز این دیدار از خبرنگاران خواستند تا محل گفت‌وگو را ترک کنند.

آخرین مرتبه‌ای که این دو مقام با یکدیگر ملاقات داشتند، در جریان نشست کشورهای آسیا - اروپا در ماه اکتبر در میلان بود.

روابط بین روسیه و انگلیس به دلیل بحران اوکراین دورانی رو به زوال را سپری می‌کند چرا که دولت انگلیس مکرراً مسکو را به دخالت در امور و درگیری داخلی اوکراین متهم می‌کند؛ اتهامی که روسیه آن را رد می‌کند.

طی نشست سران کشورهای جی ۲۰ در بریسن استرالیا و پیش از دیدار پوتین و کامرون، رئیس‌جمهوری روسیه با نخست‌وزیر هند دیدار کرد. پوتین همچنین قرار است با صدر اعظم آلمان و رئیس‌جمهور فرانسه دیدار و گفت‌وگو کند.

دیدارهای رئیس‌جمهوری روسیه با مقامات سایر کشورها در حالی صورت می‌گیرد که بحران اوکراین بر نشست سران جی ۲۰ سایه انداخته است. رهبران اروپایی قصد دارند تا در جریان این نشست از روسیه بخواهند تا تامین منابع جدایی‌طلبان در اوکراین را متوقف کند. ولادیمیر پوتین در دیدار خود با استفان هارپر، نخست‌وزیر کانادا این پیام را مستقیماً دریافت کرد.

دادگاه پاکستان طاهر القدری و عمران خان را «متهمان فراری» معرفی کرد

دادگاه مقابله با تروریسم پاکستان رهبران تحریک انصاف و تحریک عوامی پاکستان را در ارتباط با پرونده حمله به یک افسر ارشد پلیس این کشور «متهمان فراری» اعلام کرد.

به گزارش گلف نیوز، دادگاه مقابله با تروریسم پاکستان برای عمران خان، رهبر تحریک انصاف پاکستان و طاهر القدری، رهبر تحریک عوامی پاکستان و تعداد دیگری از رهبران این دو حزب از جمله سر وزیر ایالت خیبر پختونخوا و معاون رهبر حزب تحریک انصاف حکم دستگیری صادر کرده است چرا که این افراد با مرگ یک افسر ارشد پلیس در جریان تظاهرات اعتراضی علیه دولت نواز شریف، نخست‌وزیر پاکستان مرتبط هستند.

تاکنون پولیس اسلام آباد هیچ اقدامی برای دستگیری عمران خان یا سایر رهبرانی که حکم دستگیری‌شان صادر شده انجام نداده‌اند.

در همین حال، عمران خان اعلام کرده که به دنبال قرار وثیقه نیست و گفته که از زندانی شدن و حبس نمی‌هراسد.

وی افزود: دولت به دنبال ایجاد هراس از طریق صدور حکم دستگیری برای من است تا مرا از برگزاری راهپیمایی ۳۰ نوامبر در پایتخت باز دارد.

سخنگوی حزب عوامی پاکستان نیز اعلام کرد که طاهر القدری ۲۰ نوامبر برای از سرگیری جنبش خود در ایجاد تغییرات در کشور به پاکستان بازمی‌گردد.



سخنگوی هارپر در این باره گفت: نخست‌وزیر در دیدار با پوتین به او گفته، دست تو را می‌فشارم اما تنها یک چیز برای گفتن دارم و آن اینکه باید از اوکراین خارج شوی!

به گفته سخنگوی نخست‌وزیر کانادا واکنش پوتین به این اظهارات مثبت نبوده است. وی از ارائه جزئیات در این باره خودداری کرد.

روسیه که پیشتر در ماه مارچ شبه جزیره کریمه را به خاک خود الحاق کرد مکرراً ارسال سلاح به نیروهای جدایی طلب شرق اوکراین را انکار می‌کند. صبح امروز سرگی ریابکوف، معاون وزیر خارجه روسیه در بریسن در این باره به خبرنگاران گفت: هیچ تجاوزی وجود ندارد.

پیش از این دیوید کامرون نیز در اظهاراتی درباره اقدامات متجاوزانه روسیه به اوکراین گفت: هشدار دادن به روسیه درباره اوضاع اوکراین و حرکت این کشور در مسیر غلط لازم و ضروری است.

وی در این باره افزود: حرکت کشتی‌های جنگی روسیه به سمت شمال استرالیا پیش از نشست سران گروه ۲۰ نمادی از عرض اندام بین‌المللی این کشور بود.

گفته می‌شود، پوتین قصد دارد تا نشست گروه ۲۰ را پیش از موعد مقرر ترک کند. او همچنین در نظر دارد تا در نهار رسمی فردا شرکت نکند و پس از شرکت در کنفرانس خبری زودتر از موعد به کشورش باز گردد.

بخش دوم و پایانی

تأثیر رابطه با جنس مخالف بر تصویر بدن



دوستی با جنس مخالف از دو سو تأثیر خود را بر سلامت روان فرد و تصویری که از خود دارد، بر جای می‌گذارد. از یک سو وجود عقایدی مانند اهمیت لاغر بودن برای دختران و عضلانی بودن برای پسران در کسب محبوبیت و جذابیت برای جنس مخالف و فشارهای خانواده، هم‌سالان و رسانه‌ها باعث می‌شود که فرد نسبت به ظاهر خود احساس ناراحتی و ناامنی کند، زیرا کمتر کسی از اندام یا چهره ایده‌آل برخوردار است و حتی گاهی علی‌رغم داشتن چهره یا اندامی زیبا ممکن است به دلیل تفاوت با آن‌چه که مورد پسند اجتماع است، خود را محبوب یا دوست‌داشتنی احساس نکند که این به نوبه خود می‌تواند باعث احساس عدم اعتماد به نفس شود و روابط فرد را تحت تأثیر قرار دهد؛ و از سوی دیگر، درگیر بودن در یک رابطه عاشقانه خود می‌تواند باعث بروز چنین مسائلی گردد.

برای مثال، پژوهش شیتس و اجمر در سال ۲۰۰۵ نشان داده است که حداقل ۳۰ درصد افرادی که درگیر رابطه عاشقانه هستند، از شریک خود تقاضای تغییر و افزایش یا کاهش وزن می‌کنند که این به نوبه بر رضایت فرد مقابل از رابطه تأثیر می‌گذارد.

هم‌چنین در پژوهش دیگری مشخص شد که وقتی فرد مقابل برای تغییر دادن وزن دوست خود فشار وارد می‌کند و از او می‌خواهد که تغییر کند، باعث می‌شود که فرد مقابل احساس نماید که همان‌طور که هست، پذیرفته نشده است و از ظاهر و اندام خود ناراضی شود. نارضایتی به دلیل داشتن تصویری نادرست از چهره، ظاهر و اندام می‌تواند تأثیر زیادی بر زنده‌گی افراد بگذارد. این تأثیر طیف وسیعی را از یک غم و ناراحتی زودگذر تا جراحی‌های پُرخرج زیبایی را شامل می‌شود. در پی دریافت واکنش منفی نسبت به ظاهر، ممکن است فرد احساس کند که مورد قبول واقع نشده است. اندوهگین و ناراحت شود. اما برخی افراد واکنش بسیار شدیدتری نشان می‌دهند. بسیار ممکن است شروع به اقدامات زیبایی در رابطه با خود کنند.

از سوی دیگر افرادی که اعتماد به نفس کمی دارند و به دنبال تأیید دیگران هستند، ممکن است به همین دلیل خود را در دریایی از روابط بی‌حدومرز و نامشخص غرق کنند، به این امید که با گرفتن تأیید و تحسین دیگران، خود را راضی ساخته و اثبات کنند که جذاب هستند. حال آن‌که این اقدام علاوه بر آسیب‌هایی که ممکن است به آن‌ها وارد کند و اوضاع را وخیم‌تر سازد، آتش فرد را تندتر کرده و تمایل او را برای دریافت بازخوردهای بیشتر از دیگران شعله‌ور می‌سازد. البته ممکن است عکس این نیز رخ دهد. فردی که از تعداد معدودی بازخورد منفی دریافت کرده است (اتفاقی که ممکن است برای هر فرد رخ دهد) به دلیل حساسیت و آسیب‌پذیری نسبت به این واکنش‌ها و ترس از طرد شدن توسط دیگران، تصمیم به کناره‌گیری از دیگران گرفته و به کلی منزوی می‌شود که این، فرد را به نوبه خود در چرخه معیوب شکست و طرد قرار می‌دهد.

گاهی ارتباط با جنس مخالف، به طور غیرمستقیم تأثیر خود را بر فرد می‌گذارد. برای مثال، تجربه مورد خیانت واقع شدن یا آگاهی از این نکته که فرد مقابل به افراد دیگری نیز توجه دارد، به خودی خود می‌تواند باعث نارضایتی فرد از ظاهر و اندام خود شود؛ زیرا ممکن است فرد در پی مورد خیانت واقع شدن، تقصیر مسأله را به گردن بگیرد و احساس کند که این مسأله به دلیل کمبودی در خود او به‌خصوص کمبودی در ظاهر یا اندام است که این باعث زایش دید احساس عدم اعتماد به نفس و واکنش‌های شدیدی مانند برقراری ارتباط با دیگران به منظور اثبات دوباره محبوب بودن، جراحی‌های زیبایی و ... می‌شود.

منبع: پرشین پرشیا

بخش دوم

نگاه به اندیشه‌های یوهان گئورگ هامان

زهره روحی

جهان و هم‌چنین تسلط بر طبیعت. تمامی آن آرمان و آمالی که مایه انزجار هامان بود. به قول برلین از دید وی روشن‌گری "نهضت واژگونی ارزش‌های طبیعی بود" (ص ۶۹). لازم است اندکی روی ارزش‌های به اصطلاح «طبیعی» هامان درنگ کنیم، زیرا این ارزش‌ها از نظر او می‌باید غایتی هستی‌شناسانه داشته باشند. منظور پرسش‌های هستی‌شناسانه‌یی است که از دید وی، روشن‌گری از آن دست شسته است. فی‌المثل این‌که از کجا می‌آییم، هدف‌مان در جهان چیست

... اما مسأله این است که این خطای فلسفی - چنانچه توسط بسیاری از منتقدین تذکر داده شده است - قابل تصحیح و گاه حتا قابل اغماض است؛ زیرا عصر روشن‌گری فقط این نیست، بلکه مهم‌تر از این خطای قابل اصلاح، حامل طرح‌واره‌هایی درباره آزادی‌های سیاسی و اجتماعی انسان جدید است؛ آزادی‌هایی که در آن زمان به مثابه ابزاری کارآمد در قلمرو عمومی، نه تنها به جابه‌جایی قدرت در ساختار سیاسی، اجتماعی



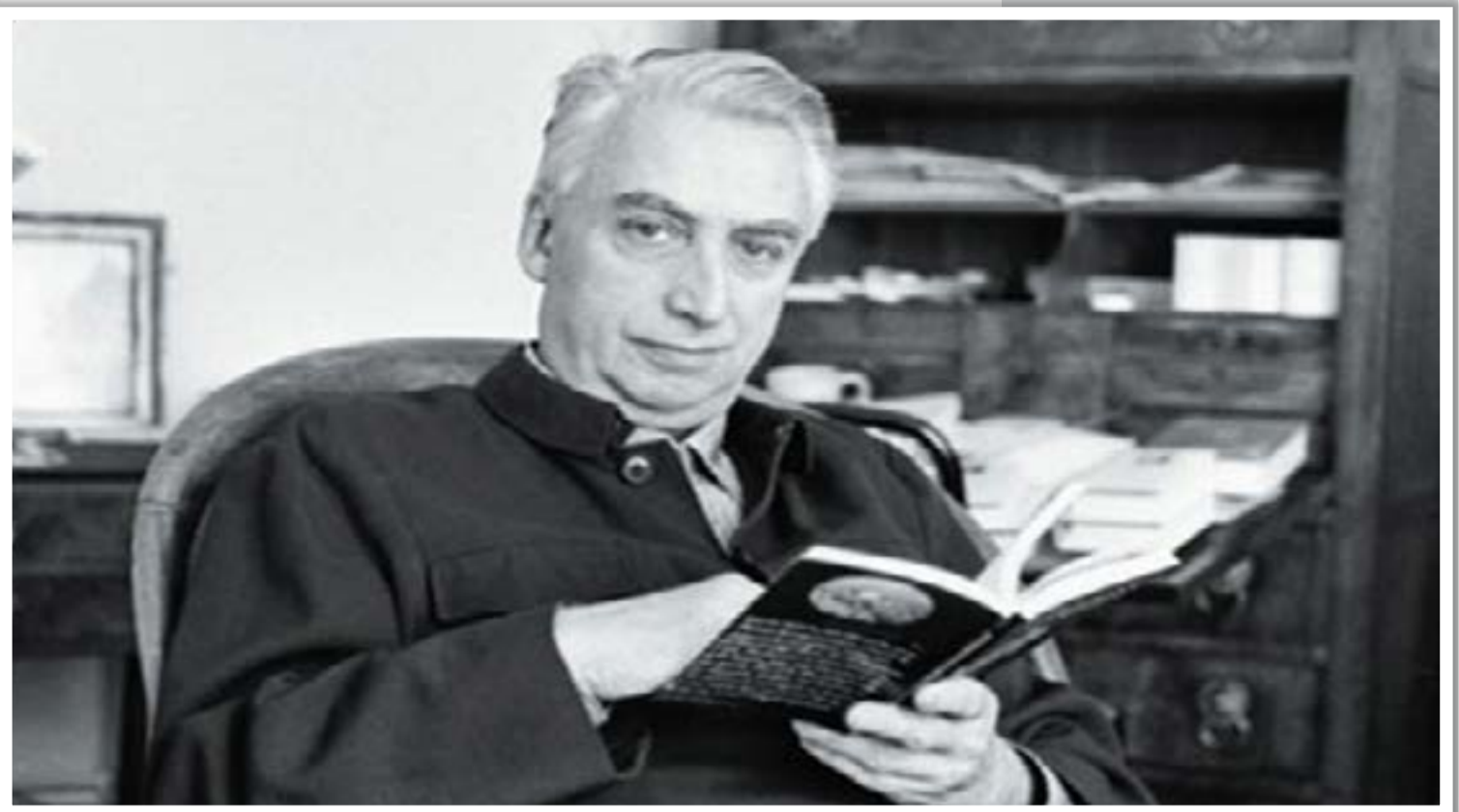
و به کجا می‌رویم (ص ۱۱۷). تأملاتی که به باور او تنها از راه درک معنا و مفهوم «انسان بودن» دریافت می‌شوند، اما نه از راه عقل و یا شناخت عقلی، بلکه از راه توجه به نحوه حضور. مثلاً این‌که در یابیم خدا در تمامی تجربیات روزمره تک‌تک انسان‌ها حضور دارد. در نتیجه «بی‌نهایت و کثیرالوجود» است (ص ۸۵) و تنها به کمک انجیل که کلام خداست می‌توان او را درک کرد (ص ۸۶). پس این «ایمان و اعتقاد» است که راهنمای حقیقی آدمی است، چه در درک معنا و مفهوم چیستی خود، چه در خصوص هدف در زنده‌گی. هنگامی که درک و فهم خدا تنها به انجیل محول شود، آیا با نگرشی تقلیل‌گرا و متعصب روبه‌رو نیستیم؟ این چه پنداشتی است که فقط به یک کلید برای تقریب به خدا و مسیر الوهیت اعتقاد دارد؟! اما مگر مطابق گفته‌های خود هامان، خدا در تک تک تجربه روزمره همه آدم‌ها وجود

و فرهنگی کمک می‌کرد، بلکه هم‌زمان به شکل‌گیری طبقات و ستیزهای اجتماعی جدید یاری می‌رساند: تکوین جامعه‌ای جدید که در آن اکنون «قدرت» برای طبقات زحمت‌کش و به اصطلاح فرودست اجتماعی قابل دیدن و تصرف به نظر می‌رسد...؛ و اتفاقاً همین رخداد شگفت اجتماعی است که برای هامان نه تنها کمترین ارزشی ندارد، بلکه حتا شاید بتوان گفت با دیدگاه محافظه‌کارانه‌اش به لحاظ سیاسی - که آن را در لفافی دینی به نام «خلقت» می‌پوشاند - اساساً بر این اعتقاد است که آدمی مختار نیست تا آن چیزی شود که خود می‌خواهد، بلکه خلق شده است تا چیزی باشد که هست و کاری کند که می‌کند (ص ۱۱۶). و این در حالی است که نهضت روشن‌گری بر خلاف این پنداشت محافظه‌کارانه، نوید دهنده انسان و جهان جدید بود: امید به تغییر وضع موجود و شناخت انسان از خود و

ندارد؟ آیا همه آدم‌ها مسیحی هستند؟ مسلماً که نه و این را هامان خود به‌خوبی می‌داند، از این رو به تکاپو می‌افتد تا آن را بدین صورت تصحیح کند که تمدن‌های مختلفی در جهان وجود دارند که «هدف‌های مختلفی را دنبال می‌کنند و دریافت‌های متفاوتی از جهان دارند که جزو لاینفک شیوه زنده‌گی آن‌هاست، یعنی جزو لاینفک خود این تمدن‌هاست.» (ص ۸۳)

شاید هامان در آن زمان هرگز ندانسته باشد که با این سخن، به نحله فکری‌یی که چند دهه بعد به نام «رمانتیسم» رقم خورد، چه کمک بارز می‌کرده است. ایده‌یی باارزش از چند جهت، که از آن ایام به ارث رسیده است. در حال حاضر آیا مگر به غیر از این است که بسیاری از آزاداندیشان می‌کوشند تا به تکرر فرهنگی مشروعیت بخشند...

به هر حال، خداشناسی هامان، وی را به مسیری می‌کشاند که بعدتر منتقدان مدرنیته از آن سود می‌برند. یا به بیانی مناسب‌تر از آن زمان تا به امروز، مدرنیست‌های انتقادی و یا حتا پست‌مدرن‌ها (مسلماً همراه با دخل و تصرف) به طرق گوناگون برای اصلاح و نقد ایده‌های مدرن متصل به عقلانیت تک‌ساحتی عصر روشن‌گری آن‌ها را به کار گرفته‌اند. و از قضا در این‌جاست که ما هم به استقبال این تلاش فکری می‌رویم. مثلاً جایی که نه تنها به تکرر فرهنگی مشروعیت می‌دهد، بلکه به طرز تحسین‌برانگیزی هیچ جدایی و تفکیکی بین ساختار فرهنگی و شیوه زندگی قایل نمی‌شود. به قول آیزایا برلین، هرچند نزد هامان «آن‌چه هست، دنیایی است از اشخاص و شیوه‌های دریافت آن‌ها از تجربه خودشان» (ص ۱۱۲). اما واقعیت این است که این تجربه‌های فردی از آن‌جا که تابع نظامی از روابطی است که آن‌ها را شکل می‌دهد، غیرقابل شناسایی و یا غیر قابل ارتباط باقی نمی‌مانند (همان‌جا). مسلماً مقصود هامان، کاملاً در چارچوب خداشناسی وی جای دارد؛ فی‌المثل با چنین تفسیری که هر چند فرهنگ‌ها و تمدن‌ها و یا اهداف و دریافت‌ها متفاوت و در نتیجه شیوه‌های متفاوت «بودن» در جهان وجود دارد، اما همه این‌ها حلقه‌هایی از زنجیر واحدی‌اند که مبنایش رابطه انسان و خدا است. اما لازم است یادآوری کنیم که ضمن حرمت به چنین نظری، استفاده ما از روش وی بدون در نظر گرفتن مباحث خداشناسی اوست. یعنی صرفاً در چارچوب نتایج انضمامی وی در خصوص رابطه «تجربه»، «عمل» و «شناخت، یا همان دریافت» بر محور «نظامی از روابط» باقی می‌ماند. به بیانی، برجسته ساختن این نظر که نمی‌توان تجربه را از عمل، شناخت و با دریافتی جدا کرد که همه‌گی در قلمرو روزمره به هم می‌پیوندند.



نویسنده: جیان هان
برگردان: عزت‌اللهی فروغی

بخش دوم و پایانی

سرخوشی تکرار زیبایی است و لذت نیز ناشی از هر آن چیزی است که این دید قالبی را می‌شکند و این همان تقابل بارت در میانه لذت و سرخوشی است:

«زبانی که من با آن حرف می‌زنم، زبان عصر من نیست؛ این زبان به طور طبیعی در معرض شبه‌ایدیولوژیک است. بنابراین باید با این شبهه مبارزه کنم. من می‌نویسم زیرا واژه‌هایی که می‌یابم را نمی‌خواهم؛ به همین ساده‌گی. پس این زبان ماقبل آخر همان زبان سرخوشی من است: من در طی شب آثاری از زولا، پروست، ورن، مونت کریستو، خاطرات یک توریست و گاهی نیز آثار جولین گرین می‌خوانم. و این سرخوشی من است اما لذت من نیست: لذت فقط با ورود یک مقوله جدید مطلق حاصل می‌شود، زیرا فقط مقوله جدید می‌تواند آگاهی را متزلزل کند (کار آسانی است؟ به هیچ‌وجه: در ۹۰ درصد موارد، مقوله جدید چیزی جز همان نگاه کلیشه‌یی به یک چیز جدید نیست).»

«مقوله جدید یک مد نیست، بلکه یک ارزش است که مبنای هر نقد به شمار می‌رود: ارزیابی ما از جهان، دست‌کم به صورت مستقیم، آن‌گونه که نیچه معتقد است، دیگر به تقابل اشراف‌زاده‌گی و فرومایه‌گی بستگی ندارد، بلکه به تقابل قدیم و جدید بسته‌گی دارد [...] مقوله جدید، همان لذت است [...] یک خشم (حاشیه‌یی، بیرونی) به سوی تجدد - یک خشم آتشین که می‌تواند تا سرحد انهدام گفتمان پیش برود: اقدامی برای ظهور مجدد تاریخی لذت سرکوب شده در زیر یک تفکر کلیشه‌یی.»

مقوله «جدید» که بارت در تقابل با چیز «جدید» قرار می‌دهد، بیان‌گر یک موقعیت انقلابی است: ارزش دیگر نزد یک نابغه که قادر است با آثار جدیدش لذتی وافر به مردم بدهد نیست، بلکه در بطن متن است که با آن، نظم گفتمان بی‌وقفه به چالش کشیده می‌شود. بنابراین اشتباه است که اگر لذت را به عنوان یک حس شخصی در نظر بگیریم، چرا که لذت فقط با انهدام جهان‌بینی حاکم بر بورژوازی که در زبان باقی‌ست، حاصل می‌شود. بارت بی‌آن‌که ذکری از نظریه فوکو به میان بیاورد، نظریه وی را مبنی بر مرتبط بودن گفتمان و توانایی می‌پذیرد و زبان را دشمن اصلی آن به شمار می‌آورد: او در درس افتتاحیه کژ دو فرانس می‌گوید «اما گفتمان به عنوان کنش هر زبان نه واکنشی است و نه پیشرو، بلکه فاشیست است به همین ساده‌گی؛ زیرا فاشیسم به معنای

رولان بارت در میانه متن و اثر

از زمان حال و نمایش زنده‌گی روزمره دست می‌یابد: «ترجیح دادیم با خلق یک فرم - که طبیعتاً تخیلی نیست اما در تاریخ جهانی ادبیات هم‌چون نسخه نهایی هر نمایش به نظر می‌رسد (هایکوی جاپانی) - یک دور طولانی بزنیم» ۱۰. بارت در نهایت رمان را به پایان نرساند، اما به پروژه دیگری پرداخت که هر چند نوشته واقعاً تخیلی‌یی به شمار نمی‌آید، اما عامل بقای ادبیات است. از نظر بارت این سال‌ها ادبیات دیگر نه یک علم است و نه یک تخطی از متن، بلکه شعری‌ست که با آن می‌توان به لذت، احساس، ذوق و در یک کلام به هر آنچه دست یافت که شاید نتوان با عقلانیت مطرح نمود؛

اما با احساس می‌توان. بارت که به زیبایی‌شناسی فرگمنت بسیار وابسته است، مقاومتش را در برابر کمپوزیسیون مستبدانه پنهان نمی‌کند. به استثنای کتاب «عناصر نشانه‌شناسی و نظام مد»، کتاب‌های بارت با نوعی fragmentarité شناخته می‌شوند که منجر به ایجاد گسیخته‌گی‌های پیش‌بینی نشده می‌شوند، جایی که در آن بازی‌های فکری و زبانی نسج می‌گیرند. با این وجود، این بازی اثر تخیلی ارابه می‌کند که هر چند تغییر ذائقه محسوب نمی‌شود، اما تلاشی است سودمند برای ادبیات. رمانی که وی ارابه می‌کند، یک تخیل ساده نیست، بلکه یک شعر است. یک رویای شاعرانه: «رمان باید به تدریج به عنوان رمان مطلق، رمان رمانتیک، رمان poikilos، رمان Écrire-Tendance یا به عبارت دیگر به عنوان اثر به‌کار گرفته شود» ۱۱. این رمان مطلق بارت همانند کتاب مطلق مالارمه هرگز به وجود نخواهد آمد، اما همیشه وجود خواهد داشت: این ادبیات است که هیچ‌گاه نقطه پایانی برایش متصور نیست.

در نقد ادبی، دو مد یا دو گفتمان وجود دارد: توصیفی و ارزیابی‌کننده. همیشه برای فیصله دادن به این بحث دچار تردید می‌شویم که آیا گفتمان در ادبیات یک شناخت است یا یک قضاوت زیبایی‌شناختی؟ به عبارت دیگر، گفتمان قابل به اختیار دانایی است یا قابل به اختیار لذت. بر طبق گفته M. Compagnon «فقدان معیارهای تصریحی و عموماً قابل قبول، یکی از علل جنبه مشاجره قلمی حوزه ادبیات است، گویی تیوری همواره بر انتخاب بین دو گزاره کاملاً متضاد: ارزش‌یابی یا توصیف، بافت یا متن، علم بیان یا تاریخ، اثبات‌گرایی یا امپرسیونیسم، ذهنیت‌گرایی یا عینیت‌گرایی، کل‌نگری یا جزئی‌نگری، هنر یا علم، میمسیس (تقلید) یا سمیوسیسیس (فرایند معنی‌سازی)، فرم یا محتوا مبتنی است. از یاد این گزاره‌های همواره مطرح مثل دیکوتومی افلاطون با هر دو جنبه خوب و بد آن، نشانه‌یی از مشکلاتی است که به طور نامناسبی مطرح می‌شوند» (۱۲). در این جا این پرسش مطرح است

ممانعت از حرف زدن نیست، بلکه به حرف زدن وادار کردن است» (۷). از نظر بارت، ادبیات واقعی شیوه‌یی است برای خریداری زبان با «تقلب در گفتمان». نوشتن، یک عمل پذیرفته‌شده توسط قرارداد اجتماعی نیست، بلکه نوعی بازی با کلمات است برای نابود کردن این قرارداد.

۳- از متن به اثر

با مراجعه به آرای فوکو درباره «مفهوم» درمی‌یابیم که جانشین شدن اثر با متن فقط یک تغییر لفظ نیست، بلکه تغییر پارادایم یا تغییر قابلیت فهم است. آوانگارد، در ساخت‌شکنی نظم گفتمان تلاش می‌کند سلسله‌مراتب اجتماعی را از هم بگسلد. به عبارت دیگر، اقدام به ساخت‌شکنی همه ارزش‌های زیبایی‌شناختی و اخلاقی می‌کند. در حقیقت برخلاف مباحثی که در آن به برخی ابعاد ادبیات ارزش داده شد و از برخی دیگر از آن‌ها سلب ارزش گردید، در آن زمان خود ادبیات بود که مطرح بود، زیرا اساس ادبیات بر قضاوت زیبایی‌شناختی و اخلاقی استوار است. برای اولین بار این پرسش به طور جدی مطرح می‌شود که: آیا ادبیات وجود دارد؟

خلاصه آن‌که از مفهوم اثر به مفهوم متن، ما فقط با یک تغییر لفظ مواجه نیستیم، بلکه در این جا بحث تبادل قابلیت فهم و نظم گفتمان مطرح است.

دغدغه بارت در سال‌های پایانی حیاتش این بود که نتیجه‌یی برای وقتی که متنیت را علیه ادبیات کلاسیک مطرح می‌ساخت، پیش‌بینی نکرد. او هشدار می‌دهد که: «چیزی در تاریخ ما پرسه می‌زند: مرگ ادبیات؛ این مرگ گرداگرد ما سرگردان است؛ باید به این شیخ نگریست» (۸). بارت پس از شناخت قدرت ویرانگر مدرنیته، دیگر نمی‌خواهد پیش‌قراول باشد، بلکه می‌خواهد که «پس‌قراول» باشد. به زعم وی «پیش‌قراول بودن، یعنی دانستن آن‌چه که مرده است اما در پس‌قراول بودن یعنی آن را هنوز دوست داشتن است: من رمان تخیلی را دوست دارم اما می‌دانم که رمان مرده است» (۹). مرگ ادبیات یا مرگ عنصر زیبایی‌شناسی زبان برای بارت که خود مولف رسالاتی در باب زیبایی سبک حتا در دوره متنیت است، غیرقابل تحمل است. وی هرچند مخالف کلاسیسیسم است، اما زبان فرانسه او همیشه بسیار کلاسیک است.

در زمانه‌یی که آوانگاردیسم مد شده است و جوان‌گرایی یک اسطوره، بارت برای نجات زبان و ادبیات ضمن تهیه کردن یک رمان، به شعر به‌ویژه شعر هایکو روی می‌آورد. در سال‌های ۱۹۷۸ - ۱۹۷۹ در «کژ دو فرانس» او تلاش می‌کند رمانی را که به‌زعم وی اثری است که ادبیات را به زنده‌گی پیوند خواهد داد، به پایان برساند. در شعر هایکو است که بارت به یک تأیید بی‌قیدوشرط

که آیا باید واقعیت را ارابه نمود یا زیبایی را؟ هرچند که نقد اکادمیک و دانشگاهی همواره در جست‌وجوی یک بنیان عینی است و قضاوت ذهنی‌اش را پنهان می‌کند، اما این قضاوت همیشه نمی‌تواند غایب باشد: شناخت یک اثر یا مؤلف، به قضاوت زیبایی‌شناختی رهنمون می‌سازد. و این همواره یک پرسش اساسی است. ادبا انگیزه خود را در دو خواسته شناخت ادبیات و جست‌وجوی سرخوشی در ادبیات می‌بینند. در سال‌های دهه شصت و هفتاد، دو سری مفهوم وجود داشتند که هم‌چون آب و آتش با هم در تقابل بودند. سری سنتی شامل اثر، زیبایی، ارزش، مفهوم، خوش‌ذوقی و بدذوقی و سری جدید شامل متنیت، بهره‌وری، معنا، بینامتنیت و... . بارت تلاش کرد سری نخست را کنار بگذارد و با نوشتن کتاب «از اثر تا متن» ناقوس مرگ را برای مفهوم سنتی ادبیات به صدا درآورد. با این وجود، بارت که از آوانگارد و تیوری متنیت که وی پرچم‌دار آن به شمار می‌رود سرخورده شده بود، بالاخره به سوی سری نخست رجعت نمود و در نهایت آن را پذیرفت: «این دوره آن‌قدر کهنه شده است که موضوع آن دیگر قابل بیان در ادبیات نیست، مثل مفهوم «اثر» (۱۳). او از رویای بنیان نهادن علم جامع‌نگر ادبیات برای بازگشت به سرخوشی و ذوق یعنی یک مفهوم کلاسیک صرف‌نظر کرد. بر طبق نظر M. Compagnon، این شیوه‌یی‌ست برای در حاشیه ماندن: «امروز دفاع کردن از زبان کلاسیک. مقوله جدیدی است...» (۱۴)

گذر از اثر به متن و از متن به اثر، یعنی همان مسیر ذهنی بارت، به ما امکان می‌دهد تا بهتر به چالش‌های نقد ادبی دوران پس از جنگ بنگریم. از یک طرف دست‌یابی به آن مشکل است؛ زیرا بی‌وقفه خود را انکار می‌کند و از سوی دیگر، گره تحول ادبی را از خلال پیچ‌وخم‌های تیوری به ما نشان می‌دهد. بارت هرگز در ایجاد تغییر و مشارکت در مباحث نقد ادبی بین متن و اثر و بین آوانگارد و کلاسیسیسم آرام نمی‌گیرد، اما آن‌چه که تغییر نمی‌کند این است که او خود را همواره در رد دایمی مد و جهان‌بینی حاکم، در حاشیه می‌یابد.

آیا رییس جمهور

نکات مبهم پرونده کابل بانک را روشن خواهد ساخت؟

محمد اکرام اندیشمند

اشرف غنی احمدزی نخستین اقدام و قاطعیت خود را در اجرای قانون و عدالت، با فرمان بازگشایی پرونده غارت کابل بانک به نمایش گذاشت و پس از سروصداها و اما و اگرهای فراوان، برخی از دزدان کابل بانک که از قبل هم در بند بودند، محاکمه مجدد شدند؛ اما در این محاکمه صرف نظر از اظهارنظرها و اعتراضات محکومین، پرسش های بی پاسخ و نکات مبهم دیده می شود که دزدی کابل بانک و نقش همه دزدان را در این غارت جنایت کارانه مخدوش و غیرشفاف جلوه می دهد.

در میان نکات مبهم پرونده کابل بانک، دو نکته بیش از همه پرسش برانگیز به نظر می رسد:

۱- استفاده از پول کابل بانک برای برنامه های تبلیغاتی رییس جمهور کوزی در دومین انتخابات ریاست جمهوری

آیا رییس جمهور کوزی و تیم او در رقابت های انتخاباتی سال ۱۳۸۸ خورشیدی از کابل بانک پول گرفتند؟ این پرسش در حالی به میان می آید که شایعات و اتهامات مختلف و بسیاری در این مورد دهن به دهن می شود و از بیرون کشیدن میلیون ها دالر سپرده های بانکی مردم برای استفاده در کمپاین تبلیغاتی رییس جمهور پیشین افغانستان حامد کوزی سخن می رود. این شایعات و اتهامات باید به دقت مورد بررسی قرار گیرد و چه گونه گی درستی و مورد بررسی قرار گیرد و چه گونه گی درستی و

توافق پایدار با پاکستان...

روابط دوستانه بین کابل و اسلام آباد را تضمین کننده امنیت و آرامش در منطقه دانست. نواز شریف نیز با شرکت در این کنفرانس خبری بیان کرد: پاکستان خواهان برقراری روابط خوب با تمام کشورهای همسایه از جمله افغانستان است. وی افزود: پاکستان به استقلال، امنیت و تصمیمات مردم افغانستان احترام می گذارد. شریف گفت: هر دو کشور با مشکلات امنیتی مواجه هستند به همین علت ما سعی داریم تدابیر امنیتی موثرتری در مرزهای مشترک به کار گیریم. نخست وزیر پاکستان بیان کرد: تکمیل پروژه خط لوله تابی و کاسا ۱۰۰۰ برای پیشرفت هر دو کشور و رهایی از مشکلات اقتصادی موثر خواهد بود. به گفته نواز شریف، اشرف غنی در شرایط دشواری قدرت را در افغانستان به دست گرفته و ما سعی می کنیم در این وضعیت کمال همکاری را با ایشان

گفت و گوها بر سر تقسیم...

این گفت و گوها بی نتیجه به پایان رسیده است. اسدالله سعادت نماینده رییس جمهور اشرف غنی در کمیته تشکیل کابینه می گوید که خواست نماینده گان رییس اجرائیه بر تقسیم پنجاه درصد کرسی های کابینه، مغایر قانون اساسی و توافقنامه تشکیل حکومت وحدت ملی است. آقای سعادت همدار می دهد که این خواست ها نتیجه مطلوبی را به دنبال نخواهد داشت و تشکیل دولت بر اساس این خواست برای آنان پذیرفتنی نخواهد بود. او گفت: «نمایندگان رییس اجرائیه کاملاً بحث شان این است که باید ابتدا کرسی ها که همانا وزارت خانه ها، کنسولگری ها، ولایات، سفارت ها تقسیم شود بعد روی افراد بحث صورت گیرد؛ دید ما این است که این خواست خلاف قانون اساسی و توافقنامه تشکیل حکومت وحدت ملی است. هر دو تیم باید مشارکت عادلانه داشته باشند، کرسی ها مالکیت شخصی کسی نیست که بر سر آن تصمیم



نادرستی آن به عنوان بخشی از نتایج پرونده کابل بانک به اطلاع مردم برسد.

۲- نقش و سهم عمر زاخیل وال در موضوع کابل بانک

مسئولیت رییس جمهور اشرف غنی به عنوان رییس جمهور جدیدی که عمر زاخیل وال را به عنوان سرپرست وزارت مالیه در کرسی اقتدارش ایفا کرد، در روشن سازی نقش و سهم او در قضیه کابل بانک مضاعف شده است. چند نکته مبهم و پرسش برانگیز در مورد نقش و سهم زاخیل وال در غارت کابل بانک باید مشخص و شفاف سازی شود:

آیا زاخیل وال به عنوان وزیر مالیه در غارت پول های به امانت گذاشته شده مردم در کابل بانک، با مجرمات همکاری داشته است؟

داشته باشیم.

وی افزود: پاکستان از مذاکره برای برقراری صلح در افغانستان حمایت می کند همچنین امنیت و پیشرفت اقتصادی این کشور از هر جهت به نفع پاکستان است. شریف تأکید کرد: حال و آینده پاکستان و افغانستان به یکدیگر وابسته است.

دیدار با نظامیان

اشرف غنی در نخستین روز سفرش به پاکستان با سرتاج عزیز مشاور امنیت ملی و امور خارجی نخست وزیر پاکستان، دو وزیر کابینه و مقام های نظامی این کشور ملاقت کرد.

ارتش پاکستان در یک اعلامیه خبری گفته است که رییس جمهور افغانستان در مرکز اصلی ارتش پاکستان در شهر راولپندی از سوی راحل شریف رییس ستاد مشترک ارتش پاکستان مورد استقبال قرار گرفت. براساس این اعلامیه، مقام های نظامی پاکستان در مورد وضعیت امنیتی در امتداد مرز به

بگیرد و تشکیل این چنین دولت برای ما پذیرفتنی نیست.

اما نماینده گان دکتر عبدالله عبدالله رییس اجرائیه درباره تشکیل کابینه و خواست های شان نگاه خوشبینانه دارد.

سید حسین عالمی بلخی نماینده رییس اجرائیه در کمیته مشترک تشکیل کابینه می گوید که آنان خواست های فراتر از قانون را در گزینش و تقسیم کرسی ها مطرح نکرده اند، بلکه بر تعیین افراد با معیارهایی که باید یک وزیر داشته باشد، تأکید کرده اند.

آقای بلخی باور دارد که کابینه بدون کدام مشکلی به زودی تشکیل خواهد شد: «در تعبیر و تفسیر ادارات اقتصادی نمایندگان رییس جمهور برخورد سلیقه ای می کنند. این با الفاظ بازی کردن است، وقتی می گویند مشارکت می خواهیم یعنی چه؟ یعنی از این تیم هم باشد و از آن تیم هم. در توافقنامه تشکیل حکومت وحدت ملی آمده است که رهبری ادارات کلیدی از هر دو تیم مساویانه باشد.» قرار نبود

سفر دکتر غنی به پاکستان...

رییس ستاد ارتش پاکستان، سرتاج عزیز مشاور امنیت ملی نخست وزیر آن کشور و مولانا فضل الرحمان، رهبر جمعیت علمای و برخی از شخصیت های دیگر پاکستان گفت و گو کرده است.

تلاش های صلح، تجارت و مبارزه با تروریسم، موضوع اصلی گفت و گوهای رییس جمهور غنی با مقام های پاکستانی و سیاستمداران آن کشور عنوان شده است.

احمد سعیدی آگاه مسایل منطقه می گوید، سفر دکتر غنی فشارهای بین المللی که بالای پاکستان است را کاهش می دهد، زیرا در حال حاضر فشارهای بین المللی بالای پاکستان بسیار زیاد است، بنابراین اگر غنی دیرتر سفر می کرد، قوت و قدرت افغانستان را به نمایش می گذاشت. این آگاه مسایل منطقه، ضمن این که سفر دکتر غنی به پاکستان را عجولانه می داند تأکید می کند، اگر غنی قبل از سفر به پاکستان با رییس اجرائیه کابینه را تکمیل می کرد و پس از سفر لندن و اشتراک در کنفرانس سارک سریلانگا به پاکستان می رفت، بدون شک سفر موثری می بود.

او تصریح کرد، رییس جمهور غنی در این سفر هیچ نوع مذاکره ای با مخالفین نخواهد داشت و از سوی هم پاکستان آماده نیست که مخالفین را در پای میز مذاکره با رییس جمهور غنی حاضر کند.

سعیدی افزود، این سفر بیشتر روابط اقتصادی را برقرار خواهد کرد و دکتر غنی از این سفر در زمینه اقتصادی بدون شک دست آوردهایی خواهد داشت؛ اما هیچ نوع دست آوردی در خصوص مسایل امنیتی و مذاکره با طالبان نخواهد داشت.

به گفته وی، درحالی که طبق اصول دیپلماتیک ۲۵٪ مصارف مهمانان را کشور میزبان می پردازد، ۱۴۰ نفر دکتر محمد اشرف غنی را همراهی می کند که اگر تمامی این افراد مامور دولت باشند، یقیناً که مصرف بیجا است.

این آگاه سیاسی اضافه کرد، پس باید مشخص شود و دولت پاسخ بدهد که این ۱۴۰ نفر کی ها اند، چه کاره هستند و براساس کدام وظایف در این سفر رییس جمهور را همراهی می کنند؟

سعیدی همچنان گفت، نکته مهم دیگر اینکه مولانا فضل الرحمان یک شخصیت بسیار عالی و روحانی نیست، اما دکتر غنی را مجبور کردند تا با او دیدار کند.

گفته می شود که رییس جمهور غنی در سفر پاکستان با مولانا فضل الرحمان رهبر جمعیت علمای پاکستان در پشت درهای بسته ملاقات کرده است.

مولانا فضل الرحمان پس از ختم ملاقات با رییس جمهور غنی، به خبرنگاران گفته تا زمانی که نیروهای «خارجی در افغانستان حضور داشته باشند، صلح در افغانستان تأمین نمی شود.»

مولانا فضل الرحمان به پدر روحانی طالبان معروف است و یکی از حامیان اصلی طالبان شناخته شده است.

در همین حال، احمد بهزاد عضو مجلس نمایندگان می گوید، امیدوار استیم که سفر دکتر غنی یک سفر تشریفاتی نباشد و دولت جدید راه کارهای مناسبی را نسبت به حکومت قبل هم در زمینه سیاست خارجی و هم در مساله مذاکره با طالبان داشته باشد.

او تأکید کرد، حامد کوزی بیش از ۲۰ سفر به پاکستان، چه در زمینه اقتصادی و چه در زمینه امنیت و مسایل مصالحه و مذاکره با مخالفین مسلح دولت داشت، اما هیچ کدام دست آوردی نداشت.

به گفته بهزاد، دولت ما در ۱۳ سال گذشته در عرصه سیاست خارجی و همین طور در زمینه سیاست داخلی در مقابله با گروه های تروریستی، برنامه های ناکام داشته است؛ بنابراین ادامه برنامه های شکست خورده به هدر دادن توان و امکانات است و کمکی برای بهبود وضعیت افغانستان نخواهد کرد.

این عضو مجلس همچنان گفت، مردم افغانستان نمی خواهند که سیاست های ناکام گذشته تکرار شود؛ بنابراین امیدواری هایی وجود دارد که رهبران دولت وحدت ملی با عبرت گرفتن از اشتباهات گذشته، برنامه های موثری برای جلب حمایت همسایه گان در راستای مبارزه با تروریسم و امنیت در افغانستان داشته باشند.

آقای غنی پیش از این، سفری به عربستان سعودی و چین داشت و گفته می شود که از دو شریک استراتژیک پاکستان خواسته است که برای همکاری بیشتر در روند استقرار صلح در افغانستان بر این کشور فشار وارد کند.

همچنان، اخیراً رجب طیب اردوغان نخست وزیر ترکیه به کابل آمد و با دکتر اشرف غنی دیدار کرد. دکتر غنی از رهبر ترکیه خواسته است که پاکستان را متقاعد بسازد که از حمایت طالبان دست بردارد.

آیا شخص وی پول هایی را تحت هر نام و عنوانی از کابل بانک بیرون کشیده است؟

آیا عمر زاخیل وال به عنوان وزیر مالیه با نامه و سفارش و یا ضمانت خود، نقشی در انجام جرم افراد متهم در قضیه کابل بانک ایفا کرده است؟

۳- ناتوانی و ضعف در مدیریت

حتا اگر آقای زاخیل وال که کابل بانک در دوران وزارت او مورد غارت سازمان یافته قرار گرفت و ورشکست شد، در این رخداد مشارکتی نداشته باشد، باز هم او به عنوان وزیر مالیه پاسخ گوی ناتوانی و ضعف مدیریت خود است. اما هرگز در جریان

محاکمه متهمین، مساله ضعف و ناکامی مدیریتی وزیر مالیه که بدون تردید یکی از عوامل بسیار مهم در وقوع خیانت کابل بانک است- به میان نیامده است. حال آن که مسؤولیت و پاسخ گویی شخص اول اداره از وزیر تا رییس، بخشی از وجایب قانونی و منطقی آن ها در جهت سالم بودن اداره، کارآیی و موفقیت آن هاست.

آیا جناب رییس جمهور غنی که قانون مداری و عدالت محوری خود را در اولین روزهای کاری اش، با بازگشایی پرونده کابل بانک به نمایش گذاشت، نکات مخدوش و پرسش برانگیز این موضوع را از ابهام بیرون خواهد کرد و زوایای تاریک این غارت ملی را با نور عدالت و قانون روشن خواهد ساخت؟... این پرسشی ست که گذشت زمان به آن پاسخ می دهد!

رییس جمهور افغانستان معلومات داده است.

براساس اعلامیه خبری ارتش پاکستان، اشرف غنی از تلاش های نظامیان پاکستانی در مبارزه علیه تروریسم ستایش کرده و ابراز امیدواری کرده است که مناسبات دفاعی و امنیتی میان دو کشور به شمول آموزش و مدیریت مرزی گسترش یابد.

یک مقام پاکستانی به شرط فاش نشدن نامش به خبرنگاری «دی پی ای» گفت: «ارتش (پاکستان) حمایت خود از هر گونه تلاش صلح افغانستان را ابراز دشت و از کابل خواست که علیه شورشیان پنهان شده در افغانستان اقدام کند.» مقام های پاکستان مدعی اند که ملا فضل الله، رهبر تحریک طالبان پاکستان در ولایت کنر افغانستان مخفی شده است.

دفتر ریاست جمهوری افغانستان نیز خبر داده است که دو کشور به دوچند ساختن تجارت دوجانبه تا دو سال آینده توافق کرده اند. فعلاً سطح تجارت دوجانبه افغانستان و پاکستان سالانه به حدود دو و نیم میلیارد دالر آمریکایی می رسد.

که نماینده گان رییس جمهور در کمیته مشترک این موضوع را این گونه مطرح می کردند و با این شکل وارد شدن مفید نخواهد بود و اتهام وارد می کردن. هر چند امیدواری ها بر آن بود تا پس از پایان مهلت چهل و پنج روز کابینه جدید از سوی رییس جمهور غنی اعلام گردد اما اختلاف نظرها میان نماینده گان دو طرف تلاش های کمیته تشکیل کابینه را با مشکل مواجه ساخت.

در همین حال، شماری از نماینده گان رییس اجرائیه تقسیم پنجاه درصد همه کرسی ها و سمت ها در حکومت را به جز از پست هایی که از راه رقابت آزاد گماشته خواهند شد، حق رییس اجرائیه می داند و نماینده گان رییس جمهور را به نادیده گرفتن توافقنامه ایجاد حکومت وحدت ملی متهم می سازند. اما نماینده گان رییس جمهور می گویند که آنان تقسیم کرسی ها نه، بلکه بر تشکیل کابینه با مشارکت دو طرف را می خواهند و تقسیم کرسی ها حق هیچ کسی نیست که بر سر آن اختلاف نظر را دامن بزنند.

از جهان سوم به جهان اول داستان سنگاپور

از سال ۱۹۶۵ الی ۲۰۰۰ میلادی



یکی از داستان‌های موفقیت نظام سرمایه‌داری رهبری شده

مدل اجتماعی-اقتصادی که سنگاپور را از جهان سوم به جهان اول ارتقا بخشید

بخش پنجم

خطرات لی کووان یو

اقتباس و ترتیب: محمود کرزی

در سال ۱۹۸۴، SIMEX تجارت قراردادهای ربح آینده یورو دلار (Eurodollar interest rate futures) را آغاز کرد. این تجارت بزودی به قراردادهای ربح آینده قرضه‌های اروپایی توسعه داده شد. در سال ۱۹۹۸، SIMEX سلسله‌یی از قراردادهای منطقه‌یی سهام، منجمله اوراق بهادار شاخص آینده سهام جاپان، تایوان، تایلند و هانگکانگ را بدست آورده بود. در سال ۱۹۹۸، مجله امور مالی/پولی بین‌المللی چاپ لندن جایزه بازار بین‌المللی سهام سال را به SIMEX اعطا کرد. SIMEX یگانه بازار سهام در آسیا بود که این جایزه را برای چهارمین مرتبه بدست آورد.

در حالی که ذخایر مالی ما در نتیجه پس اندازهای صندوق تقاعدی سنگاپور و مزاد بودجه سالانه حکومت در حال افزایش بود، چنین به نظر می‌رسید که اداره پولی سنگاپور این مبالغ را در راه‌های درازمدتی که منفعت اعظمی را به‌بار آورد، سرمایه‌گذاری نمی‌کرد. من این مسئله را با کینگ سووی در میان گذاشته و از او تقاضا کردم تا موضوع را مطالعه نماید. پس از مطالعه موضوع، کینگ سووی در ماه می سال ۱۹۸۱م شرکت سرمایه‌گذاری حکومت سنگاپور یا (Government of Singapore Investment Corporation) را تأسیس نمود. من رییس، کینگ سووی معاون، و عده‌یی از وزرا، اعضای هیات مدیره این شرکت بودیم. از طریق روابط کینگ سووی با دیوید روتشیلد، ما شرکت روتشیلد و پسران (Rothschild and Sons Ltd) را به حیث مشاور GIC استخدام کردیم. این شرکت یکی از متخصصین خود را در اختیار ما گذاشت تا شرکت سرمایه‌گذاری ما را به‌پا ایستاد نماید. بر علاوه، ما به استخدام عده‌یی از مدیران آمریکایی و انگلیسی‌زبانیم. این مدیران، سیستم‌هایی را که برای سرمایه‌گذاری در انواع مختلف دارایی‌ها مورد نیاز بودند بوجود آورده و فعال ساختند. برای رهبری تیم مدیریت شرکت، ما یانگ پونگ هاو (Yong Pung How) را به‌حیث مدیر عامل GIC مقرر کردیم. نام‌برده آقای جیمز ولفینسن را که بعدها رییس بانک جهانی شد، بحیث مشاور استراتژی سرمایه‌گذاری به استخدام GSIC درآورد. این اشخاص متخصص، به‌تدریج یک هسته متخصصین سنگاپوری را تربیت نمودند که از اداره پولی سنگاپور به GIC انتقال داده شده بودند. در رأس این گروه، نگ کاک سانگ و تی کاک پینگ قرار داشتند. در پایان سال‌های ۱۹۸۰، این دو و تیم همراه شان مدیریت و مسوولیت‌های کلیدی فعالیت‌های سرمایه‌گذاری را عهده دار شده و دیگر احتیاجی به متخصصین خارجی نداشتند.

در آغاز، GIC یعنی شرکت سرمایه‌گذاری حکومت سنگاپور، محض مسوولیت مدیریت ذخایر مالی حکومت را به عهده داشت. با رسیدن سال ۱۹۸۷، این مؤسسه به حد ظرفیتی رسیده بود که می‌توانست مدیریت ذخایر بود کمیشنرهای پولی سنگاپور (Board of Commissioners for Currency of Singapore) و ذخایر دراز مدت اداره پولی سنگاپور را نیز به عهده بگیرد. در سال ۱۹۹۷، GIC قادر شده بود مدیریت بالاتر از ۱۲۰ میلیارد دلار را به عهده داشته باشد. مهمترین وظیفه GIC این بود که سرمایه‌گذاری‌های ما را میان سهام شرکت‌ها خصوصی، قرضه‌های دولت‌های انکشاف یافته، و پول نقد تعبیه و تقسیم کند. در این شکی نیست کتاب‌های زیادی وجود دارند که اصول و نحوه عملکرد بازارها را توضیح می‌دهند، ولی این کتاب‌ها قادر نیستند به انسان طریقه پیش‌بینی قیمت‌های آینده و یا تضمین نفع مطمئن را بیاموزند. در سال‌های پُرطلاطم ۹۸-۱۹۹۷ شرکت سرمایه‌گذاری دولتی سنگاپور می‌توانست محض در نتیجه بالا رفتن مارک آلمانی و یا نزول ین

بوردهای رهبری و هم‌چنان مدیران اجرایی بانک‌های سنگاپور اکثراً متشکل از شهروندان سنگاپور بودند. من این مطلب را با رؤسای سه بانک بزرگ سنگاپور (شرکت بانک‌داری و رای ابچار چین، بانک متحد و رای ابچار، و بانک اتحاد و رای ابچار) در میان گذاشتم. از پاسخ‌هایی که آن‌ها به سوالات من در این خصوص ارایه کردند دریافتیم که آن‌ها در مورد خطراتی که در دوران جهانی‌گری از درون‌گرایی و عدم توجه به آینده متصور است، بی‌خبر اند. دریافتیم که آن‌ها در اوضاع حمایتی‌یی که در آن با رقابت خارجی مواجه نبودند، وضع خوبی داشته و سود کافی را به‌بار می‌آوردند. آن‌ها علاقه‌مند بودند تا حکومت کماکان مانع گشایش شعبات بانک‌های خارجی و حتا مانع معرفی ماشین‌های نقدینة خودکار (automatic teller machines) در سنگاپور شود.

من به بانک‌داران سنگاپوری هشدار دادم که دیر یا زود سنگاپور در نتیجه قراردادهای دوجانبه با ایالات متحده و یا موافقات سازمان تجارت جهانی مجبور خواهد شد تا دروازه‌های خود را به‌روی صنعت بانک‌داری خارجی بگشاید و حمایتی را که بانک‌های محلی تا آن زمان از آن‌ها برخوردار بودند ملغا قرار دهد.

در سال ۱۹۹۷ تصمیم گرفتم قالب کهنه‌بانک‌داری سنگاپور را برهم بزنم. به‌این نتیجه رسیده بودم که بانک‌های سنگاپور به تزیق استعداد خارجی و طرزید جدید نیاز دارند. فکر کردم در صورتی که سه بانک بزرگ سنگاپور حاضر به اقدام در زمینه نشوند، بانک انکشاف سنگاپور یا دی‌بی‌اس (Development Bank of Singapore) که دولت در آن سهمی داشت، باید راه را به‌سوی تحول و ابتکار باز گشایی کند. پس از دوری جستجو برای یافتن شخص مجرب و مناسب در سال ۱۹۹۸، بانک انکشاف سنگاپور جان اولدز را که یکی از مدیران ارشد و مجرب جی‌پی‌مورگان‌بوده و در حال ترک نمودن آن بانک بود جلب و استخدام کرد. وی وظیفه معاون رییس و مدیر عامل را عهده دار شد. هدف ما این که بانک انکشاف سنگاپور را به یک بازی‌گر عمده در بازار آسیا مبدل سازیم. بزودی شرکت بانک‌داری و رای ابچار چین نیز یکی از بانک‌داران هانگکانگی به‌نام الکس او را به حیث مدیر عامل آن بانک برگماشت.

من در طول سه دهه متواتر کوه بینگ‌سینگ را در ارتباط با محدود ساختن دسترسی بانک‌های خارجی به بازار سنگاپور، مورد حمایت قرار داده بودم. ولی حالا بدین نظر رسیده بودم که بالاخره زمان آن فرارسیده است تا بگذاریم رقابت بازی‌گران قوی بین‌المللی چهار بانک بزرگ ما را مجبور سازند تا یا به نوسازی خدمات خود بپردازند و یا این‌که به کاهش سهم خود در بازار تن در دهند. من از این خطر آگاهی داشتم که ممکن بود بانک‌های ما نتوانند با بانک‌های خارجی رقابت نمایند و در نتیجه از بین بروند؛ در اینصورت ما بانک سنگاپوری‌یی نخواهیم داشت که در حالت بحران مالی به آن اتکا نماییم.

از حد بود که شرکت‌های مالی دولتی ما مقادیر زیاد وجوه اضافی دست‌داشته خود را در امانت‌های بانکی نگهداری نموده، و به علت ترس از ضررهای احتمالی، جرأت سرمایه‌گذاری در بدیل‌های پُر درآمدتری را نداشتند. از طریق صحبت و بحث با مدیران بانک‌های محلی، به این نتیجه واصل شدم که شرکت‌های ما می‌توانستند با استفاده از مهارت‌ها و تجربیات مدیران باتجربه بین‌المللی مقیم در سنگاپور، بهره سرمایه‌گذاری‌های ما را به اندازه قابل ملاحظه‌یی بلند ببرند. این امر، صنعت مدیریت صندوق‌های سرمایه‌گذاری (fund management industry) ما را توسعه خواهد بخشید و سبب خواهد شد تا مدیران مسلکی مالی‌پولی بیشتری به سنگاپور رو آورند. این مدیران مسلکی، به نوبه خود، وجوه خارجی بیشتری را برای سرمایه‌گذاری در منطقه جلب خواهند کرد.

نظریات من درباره شیوه نظارت بر محیط و کاربردهای بانکی زمانی تغییر کرد که در سال ۱۹۹۲ وزیر خارجه پیشین ایالات متحده، آقای جورج شولتز که در آن زمان عضو بود مشورتی جی‌پی‌مورگان (J.P. Morgan) یکی از بانک‌های بزرگ آمریکا بود، مرا به عضویت در بودر موصوف دعوت کرد. از طریق معاشرت با بانک‌داران جی‌پی‌مورگان و شرکت در مجالس گزارش‌دهی آن‌ها که هر شش ماه اتفاق می‌افتاد، من به طرز کار آن‌ها پی بردم و آموختم که چگونه آن‌ها خود را برای بانک‌داری سرتاسری جهانی آماده می‌کردند. دانش، تجربه، و تعهد کاری اعضای این بودر که همه بانک‌داران مجرب بودند، بر من اثر عمیقی بر جا گذاشت. برای رایه نظر و دادن مشوره به اعضای بودر، مدیران مؤفق و رهبران اسبق سیاسی مناطق مهم اقتصادی جهان دعوت می‌شدند. معلومات شخصی و شناسایی من از منطقه، موجودیت مرا برای سایر اعضای بودر مفید می‌ساخت. وجود سایر اعضای بودر نیز، معلومات و تجارب مفیدی را در مورد منطقه مربوطه شان نصیب بودر می‌ساخت. معاشرت با اعضای بودر و متخصصین مربوط به آن مرا از طرز دید مدیران مالی و سرمایه‌گذاران جهان درباره جنوب شرق آسیا آگاه ساخت؛ از طریق این آگاهی درک کردم که آن‌ها جنوب شرق آسیا را چگونه و بر بنای چه معیارهایی با سایر بازارهای در حال ظهور جهان، منجمله آمریکای لاتین، روسیه، ممالک عضو اتحادشوری سابق و سایر کشورهای اروپای شرقی، مقایسه می‌کردند. آمادگی آن‌ها در امر پذیرش تغییر، نوآوری و ابتکار، خاصاً در ساحة تکنولوژی معلوماتی، برای من بس جالب و آموزنده بود. از مشاهده این وضع به این نتیجه رسیدم که سنگاپور در این راستا سال‌ها نسبت به آن‌ها عقب مانده است.

در سمت رییس شرکت سرمایه‌گذاری دولتی سنگاپور (GIC) من یک سری بحث‌هایی درباره امور بانک‌داری با مدیران عامل بانک‌های بزرگ آمریکایی، اروپایی، و جاپانی داشتم. از طریق این بحث‌ها دیدگاه آن‌ها را درباره آینده بانک‌داری جهانی دریافتیم. هم‌چنان درک نمودم که در مقایسه با این بازی‌گران بزرگ جهانی، بانک‌های سنگاپور دورنگرا بودند. اعضای

جاپانی در برابر دالر میلیارد‌ها دالر سود ببرد. ولی در این شکی نیست که سرمایه‌گذاری امر خطیری است. مهمترین هدف من در امر سرمایه‌گذاری این نبود که بلندترین بهره را بدست بیاوریم (امری که ایجاب می‌کرد ریسک بلندی را متقبل شویم)؛ بلکه آنچه من می‌خواستم این بود که ارزش و امنیت پس‌اندازهای خود را حفظ نموده و بهره مناسب و عادلانه‌یی را برای سرمایه خود بدست آوریم. در طول پانزده سال از ۱۹۸۵ بدین سو، GSIC بر شاخص‌های مربوطه جهانی سبقت جسته و ارزش سرمایه‌های ما را نه تنها حفظ نموده بلکه ازدیاد نیز بخشیده است.

معدالک، مرکز مالی‌پولی سنگاپور نسبت به مرکز هانگکانگ تابع مقررات بیشتر پنداشته می‌شد. منتقدین در این مورد چنین نوشته اند: «در هانگکانگ، آنچه بطور واضح و مشخص توسط قانون ممنوع نشده است، مجاز پنداشته می‌شود؛ در حالی که در سنگاپور آنچه که قانون مجاز معرفی نکرده است، ممنوع می‌باشد.» این منتقدین فراموش کرده بودند که هانگکانگ از حمایت بی‌رق و بانک انگلستان برخوردار بود؛ سنگاپور چنین حمایتی را در اختیار نداشت. با عدم دسترسی به چنین جال نجات، سنگاپور، در مقایسه با هانگکانگ، به مشکل می‌توانست در صورت سقوط بازار، صحت خود را دوباره بدست آورد. سنگاپور مجبور بود در قدم اول شهرت خود را خودش و بطور مستقلانه مستحکم سازد. بانک‌داران خارجی به من می‌گفتند که هرگاه ما به خرید و فروش تولیدات (اوراق بهادار) جدید مالی، قبل از آزمایش آن‌ها در سایر بازارها، اجازه دهیم، بازار سنگاپور با سرعت بیشتری رشد خواهد کرد. من به این توصیه‌ها به‌دقت گوش می‌دادم ولی در زمینه اقدام یا مداخله‌یی نمی‌کردم؛ زیرا اولویت من این بود که از همه اول‌تر ما باید شهرت خود را بحیث یک مرکز مالی سالم و قابل اعتبار تثبیت نماییم، و برای اینکار ما به وقت بیشتر نیاز داشتیم.

پس از این‌که در سال ۱۹۹۰ پست صدراعظمی را ترک گفتم وقت بیشتری برای مصروفیت در سکتور بانکی پیدا کرده و قادر شدم رفت و آمد بیشتری با بانک‌داران سنگاپوری داشته باشم. یکی از این بانک‌داران، لیم هو کی نام داشت. او مدیر یک بانک خارجی مهم در سنگاپور و مردی بود زیرک که در تجارت اسعار خارجی موفقیت زیادی نصیبش شده بود. او مرا تشویق کرد تا سیاست‌های بازار مالی خود را بازنگری کنیم. لیم هو کی اظهار داشت که سیاست‌های بازار ما بیشتر از حد نیاز محتاطانه بوده و مانع آن شده اند تا مرکز مالی ما توسعه بیشتر نموده و به‌پای فعالیت‌های مراکز پیشرفته جهان برسند. در اواسط سال‌های ۱۹۹۰ من با عده‌یی از مدیران بلندرتبه سنگاپوری که مدیریت مؤسسات مالی بین‌المللی را به عهده داشتند ملاقات‌های داشته و با آنها در باره وضع مرکز مالی سنگاپور به بحث و تبادل نظر پرداختیم. صحبت با این مدیران مرا متقاعد ساخت که ما مقادیر بیشتر از نیاز پس‌اندازهای ملی خود را در صندوق احتیاطی مرکزی نگهداشته و مجریان قوانین و شرکت‌های مرتبط به دولت دچار محافظه کاری بیشتر از حد لازم بودند. بربنای همین محافظه‌کاری بیش

تیم کرکت افغانستان پاکستان را شکست داد مغلوب سیاست؛ پیروز ورزش



تیم الف کرکت افغانستان پاکستان در رقابت دوستانه‌یی با حضور رهبران سیاسی و مقامات بلندرتبه دو کشور، در اسلام آباد مقابل همدیگر قرار گرفتند. مسوولان کرکت برد افغانستان و پاکستان، هدف از برگزاری این مسابقه دوستانه را تحکیم روابط ورزشی میان دو کشور عنوان کردند.

رییس جمهور افغانستان، نخست وزیر پاکستان و مقامات بلندرتبه دو کشور تماشاگران ویژه این رقابت دوستانه بودند.

قرار بود که این رقابت دوستانه ۲۰ اوره باشد؛ اما به دلیل محدود بودن زمان، مسوولان بلندرتبه دولتی دو کشور این رقابت ۱۵ اوره برگزار شد. تیم الف کرکت افغانستان آغازگر این مسابقه بود و توانست در ۱۵ اوره، با از دست دادن ۴ بازیکن خود ۱۵۵ هدف برای ورزشکاران پاکستانی تعیین کند.

بازیکنان تیم الف کرکت افغانستان بازی را به گونه قوی آغاز کردند و تنها نجیب الله زدران موفق شد که از ۳۶ توپ ۶۰ نمره را به دست آورد.

در نهایت بازیکنان افغانستان توانستند از ۱۵ اوره، برای بازیکنان پاکستان ۱۵۵ هدف تعیین کنند.

اما بازیکنان پاکستان موفق نشدند که هدف تعیین شده از سوی بازیکنان افغان را به دست آورند.

بازیکنان پاکستانی در ۱۵ اوره با از دست دادن ۹ بازیکن خود، تنها توانستند ۱۰۰ نمره را به دست آورند و نتوانستند هدف تعیین شده از سوی بازیکنان افغان را به دست آورند.

در نتیجه، بازیکنان تیم الف کرکت افغانستان موفق شدند که در این رقابت دوستانه مقتدرانه تیم الف کرکت پاکستان را شکست دهند.

گفتنی است که محمدشرف غنی رییس جمهور افغانستان روز گذشته در راس یک هیات بلند رتبه دولتی عازم اسلام آباد پایتخت پاکستان شد.

هدف از این سفر دو روزه ی آقای غنی به پاکستان جلب همکاری اسلام آباد در پروسه صلح افغانستان خوانده شده است.

پارلمان به دولت افغانستان:

در برابر اظهارات مولانا فضل الرحمان سکوت نکنید



مجلس نمایندگان اظهارات اخیر مولانا فضل الرحمان رهبر طالبان پاکستانی در قبال افغانستان را مداخله‌جویانه خوانده و آن را به شدت محکوم کرد.

مولوی فضل الله، روز جمعه همزمان با سفر رییس جمهور اشرف غنی به پاکستان اعلام کرد که خارجی‌ها هنوز هم در افغانستان حضور دارند و جنگ بر علیه آنان روا و برحق است. نمایندگان مجلس این گفته‌ها را مداخله در امور افغانستان عنوان کردند.

صدیق احمد عثمانی معاون اول مجلس گفت: «اظهارات مولانا فضل الرحمان در خصوص ادامه جنگ در افغانستان مداخله مستقیم در امور داخلی افغانستان است و ما این گفته‌ها را شدیداً محکوم می‌کنیم».

او بیان داشت: وزارت خارجه باید رسماً در این مورد عکس العمل شدید خود را در قبال این گفته‌ها ابراز کند.

ذکریا سودا دیگر عضو مجلس نیز اظهارات فضل الرحمان را صدمه بر استقلالیت افغانستان خواند.

آقای سودا افزود: «این اظهارات در حالی صورت می‌گیرد که رییس جمهور اشرف غنی در اسلام آباد به سر می‌برد و مولانا با چنین اظهاراتی می‌خواهد استقلالیت افغانستان را زیرسوال ببرد؛ افغانستان باید در برابر چنین اظهاراتی خاموش ننشیند».

همچنین، برخی اعضای مجلس از سفر رییس جمهور

پاکستان به له افغانستان سره همکاری وکری؟

له ملاتړه لاس واخلي، هغوی دې نه هڅوي خو په افغانستان کې وړانکاره فعالیتونه تر سره کړي او همدا راز دې وسله والو طالبانو ته د هستوګنې ځایونه نه ور کوي.

ښاغلي لېوال سوله د افغانانو خپل کار وګاڼه او زیاته یې کړه چې افغان باید په خپله د سولې د راوستلو لپاره هڅې وکړي. د هغه په خبره چې یوازې له وسله والو طالبانو سره د افغان دولت خبرې اترې او توافق ته رسېدل نه شي کولای چې په لازم ډول سوله راوړي؛ بلکې د پاکستان ریښتینې همکاری او ورسره د هېواد والو هڅې لازمي دي.

ښاغلي لیوال زیاته کړه: (سوله د افغانانو خپل کار دی، دې کې شک نشته چې افغان دولت به له وسله والو سره سوله کوي.)

د ښاغلي لېوال په خبره پاکستان کولای شي په افغان سوله کې تر نورو هغو زیات رول ولوبوي.

د هغه په وینا تر هغې چې پاکستان دا ونه مني چې په پاکستان کې سوله او امنیت د افغانستان له سولې پرته نه شي راتلای او د دوی په ګټه نه تمامېږي پاکستان نه غواړي چې په افغانستان کې سوله راشي او ریښتینې همکاری ته زړه نه ښه کوي.

نوموړي په خپلو خبرو کې د پاکستان ریښتینې همکاری ته

اړه پاکستان، د سیمې هېوادونه او نور بهرنيان نه شي کولای چې وسله وال طالبان له افغان دولت سره یوځای کېدو ته اړ باسي.

د پاکستان د لومړي وزیر نواز شریف د ملي امنیت سالاکار سرتاج عزیز له ولسمشر غني سره په خبرو کې د ترکیبې، قطر او چین هېوادونو یادونه وکړه چې کېدای شي یو له دوی څخه هغه هېواد وي چې د سولې خبرې اترې پکې پیل شي.

د سرتاج عزیز د دې خبرې په اړه چې دوی له افغان دولت سره د سوله والو طالبانو یو ځای کېدل نه شي کولای، د سیاسي چارو کار پوه عبدالغفور لېوال ماندار ته وویل چې دا خبره د افغانستان له هغو غوښتنو څخه نه ده چې له پاکستان څخه یې هیله مندي کېږي.

عبدالغفور لېوال زیاته کړه چې د افغانستان غوښتنې له پاکستان څخه دا دي چې پاکستان باید د وسله والو له ملاتړه لاس واخلي، د هغوی پتځایونه دې له منځه یوسي او په لوی لاس دې وړانکارو ته نه هڅوي.

نوموړي زیاته کړه: (د سولې په برخه کې له پاکستان څخه د افغان دولت غوښتنه همدا ده چې په افغانستان کې دې لاس وهنې نه کوي، وړانکاره فعالیتونو کې دې د وسله والو طالبانو

سر تاج عزیز وایي مور نه شو کولای چې وسله وال طالبان اړ باسو؛ خو له افغان دولت سره یوځای شي.

د پاکستان د ملي امنیت او د صدراعظم د بهرنیو چارو سالاکار سرتاج عزیز د جمعې په ورځ رسنیو ته وویل چې پاکستان کولای شي په افغانستان کې د سولې په راوستلو کې مرسته وکړي؛ خو نه شي کولای وسله وال طالبان د افغان دولت سره د یو ځای کېدو لپاره اړ باسي.

د پاکستان د ملي امنیت سالاکار سرتاج عزیز دغه څرګندونې له افغان ولسمشر محمد اشرف غني سره د لیدلو په حال کې وکړي.

سرتاج عزیز په پاکستان کې د ولسمشر غني پر وړاندې رسنیو ته وویل چې دوی نه شي کولای وسله وال طیان له افغان دولت سره یو ځای کېدو ته اړ باسي؛ خو که افغان دولت هیله مند وي نو له هرې لارې چې لازم ګڼي له طالبانو سره دې د یو ځای کېدو خبرې اترې پیل کړي.

سر تاج عزیز زیاته کړه: که افغان دولت په دې اړه خپله اقدام وکړي پایله به یې ځکه ښه وي چې له یوې خوا به یې په هېواد کې سوله راشي او له بلې خوا به یې هغه وضاحتونه چې دواړه یې په خپلو کې لري په ډاګه او د حل لار ورته پیدا کړي. نوموړي وویل: نه یوازې پاکستان بلکې ټوله نړۍ غواړي چې په افغانستان کې دایمي سوله وګوري او ټول دې ته لېوال دي چې د افغان سولې لپاره همکاری وکړي. د افغان سولې په

برای دانشجویان و اساتید دانشگاه



سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
 شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
 نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
 یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می پذیرد

دفاتر خارجی
 سه ماهه - ۱۰۰ دالر
 شش ماهه - ۲۰۰ دالر
 نه ماهه - ۳۰۰ دالر
 یک ساله - ۴۰۰ دالر



نارسییده به منزل یا دفاتر
 سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
 شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
 نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
 یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی
 شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی
 نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی
 یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی

برای دفاتر



حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: ۰۷۷۶۹۳۰۵۶۵ - ۰۷۸۴۳۰۱۶۴۰